

کنترل شهوت



محبتی صرفی پور



این کتاب در یک مقدمه و هفت بخش ارائه می گردد:

بخش اول: ازدواج پایه اساسی کنترل شهوت

بخش دوم: کنترل نگاه

بخش سوم: رعایت محرم و نامحرم

بخش چهارم : دوری از مجالس گناه:

بخش پنجم: عدم اختلاط در مهمانی ها:

بخش ششم: یاد مرگ

بخش هفتم: بیاد شهدا بیافتیم

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر آخرین پیامبر حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش.

در انسان نفس اماره وجود دارد که مرتب آدمی را به گناه تحریک و تشویق می کند! همانگونه که عقل در انسان آدمی را به کارهای خوب توصیه می کند و از کارهای بد نهی می نماید.

در سوره یوسف به مساله نفس اماره که انسان را مرتب به معصیت و گناه امر می کند اشاره می کند

وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي ۚ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ¹

و من نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس آدمی، بدون شک، همواره به بدی امر می کند، مگر آن که پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من آمرزنده ی مهربان است

یکی از فرمان های نفس اماره، امر به شهوت رانی هست.

در هر انسانی میل و نیاز جنسی وجود دارد. و اگر در شخصی نباشد نشان از بیماری و مریضی او دارد.

ولی نیاز جنسی چه در زن و چه در مرد باید فقط و فقط از طریق ازدواج برطرف شود و برطرف کردن نیاز جنسی از غیر از مسیر ازدواج، از نظر خالق یکتا ممنوع و حرام می باشد و مجازاتهای بزرگی برای آن در نظر گرفته شده است مانند شلاق

¹ 53 یوسف

و سنگسار و اعدام در دنیا و مانند اینکه اگر بدون توبه بمیرد در جهنم بصورت الی الابد می ماند و از جهنم هیچوقت خارج نمی شود.

از طرفی کسانی که نیاز جنسی خود را فقط از راه ازدواج برطرف می کنند مورد تشویق قرار گرفته اند و آنها را پاکدامن می نامند.

در اسلام پاکدامنی بسیار با ارزش هست بطوری که جوان پاکدامن ارزشش از شهید کمتر نیست.

عفت در روایات اسلامی

در منابع حدیثی، اهمیت فوق العاده ای به «عفت» داده شده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

1- امام امیر المؤمنین علیه السلام، عفت را **برترین عبادت** شمرده است: «افضل العبادۃ العفاف»²

2- امام باقر علیه السلام می فرمایند: «ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج، هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند، برتر از عفت در برابر شکم و مسایل جنسی نیست»³

3- در روایت دیگری از آن حضرت - که تفسیری بر روایت سابق است - آمده است که مردی خدمت امام علیه السلام عرض کرد: اعمال و طاعات من ضعیف و روزه ام کم است، ولی امیدوارم که هرگز مال حرامی نخورده ام. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «ای الاجتهاد افضل من عفة بطن و فرج، کدام تلاش در راه اطاعت خدا، برتر از عفت در مقابل شکم و مسایل جنسی است.»⁴

4- امام علی بن ابیطالب علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «إذا اراد الله بعبد خيرا اعف بطنه و فرجه، هنگامی که خداوند خیر و خوبی برای بنده اش بخواهد، به او توفیق می دهد که در برابر شکم و شهوت پرستی عفت پیدا کند.»⁵

² اصول کافی، ج 2، ص 79

³ همان

⁴ همان

⁵ غرر الحکم، شماره 4114.

5- در حدیث دیگری که مفضل از امام صادق علیه السلام، در توصیف شیعیان واقعی نقل شده، آن حضرت چنین می‌فرماید: «انما شیعة جعفر من عف بطنه و فرجه و اشد جهاده و عمله لخالقه و رجاء ثوابه و خاف عقابه فاذا رایت اولئک فاولئک شیعة جعفر، پیروان حقیقی جعفر بن محمد، کسانی هستند که در برابر شکم پرستی و بی بند و باری جنسی، عفت و (در راه بندگی خدا) تلاش و کوشش فراوان دارند، به ثواب او امیدوارند و از عقاب او بیمناک.

(به همین دلیل، پیوسته، در راه حق حرکت می‌کنند. هرگاه کسی را با این صفات بینی، آنها پیروان و شیعیان جعفر بن محمد علیه السلام می‌باشند.»⁶

6- امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «قدر الرجل علی قدر همته، و صدقه علی قدر مروته، و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته، ارزش هر کس به اندازه همت او و صداقت هر کس به اندازه شخصیت او و شجاعت هر کس به اندازه زهد و بی اعتنایی او به ارزشهای مادی و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.»⁷

بدیهی است، افراد غیرتمند راضی نمی‌شوند که کسی نگاه آلوده به نوامیس آنها کند، به همین دلیل، نسبت به نوامیس دیگران نیز حساسند و متعرض آنها نمی‌شوند.

7- حضرت محمد صلی الله علیه و اله فرمود: «سه چیز است که بر اتم از آن سه بیمناکم» از جمله «شهوة البطن و الفرج، شکم پرستی و شهوت پرستی جنسی».⁸

نتیجه

آنچه از آیات و روایات فوق حاصل می‌شود، این است که: اسلام اهتمام فوق العاده به مساله پرهیزکاری در برابر شهوت شکم و بی بند و باری جنسی دارد تا جایی که آن را نشانه شخصیت، غیرت، ایمان و پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کند. تاریخ نیز سرچشمه

⁶ وسائل الشیعه، ج 11، ص 199

⁷ نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه 47.

⁸ اصول کافی، ج 2، ص 79.

بسیاری از گرفتاری‌های انسان را از همین دو امر (شهوت شکم و شهوت جنسی) می‌داند، زیرا شهوت شکم، به انسان اجازه تفکر مشروع را نمی‌دهد تا به وسیله آن، حقوق انسان‌ها را رعایت کند و در مسیر عدالت گام بردارد. به همین علت، انسان را به ارتکاب انواع گناهان وا می‌دارد.

علاوه بر اینها، شهوت شکم، سرچشمه بسیاری از بیماری‌های جسمانی و اخلاقی است تا آنجا که گاهی، شکم به بت خطرناکی مبدل شده و انسان را به پرستش و اطاعت خویش در همه زمینه‌ها وادار می‌سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز، در این رابطه، درباره مردم آخر الزمان فرموده است: «یاتی علی الناس زمان بطونهم الهتهم و نسائهم قبلتهم و دنائیرهم دینهم، و شرفهم متاعهم، لا یبغی من الایمان الا اسمه و لا من الاسلام الا رسمه و لا من القرآن الا درسه، مساجدهم معمورة من البناء و قلوبهم خراب علی الهدی، زمانی بر مردم فرا می‌رسد که شکم‌های آنها بت‌های آنهاست و زن‌های آنها قبله آنهاست و دینارهایشان دینشان و شرفشان متاعشان است، در آن زمان از ایمان جز نامی و از اسلام جز رسمی و از قرآن، جز درسی باقی نمی‌ماند، مساجدشان از نظر ساختمان آباد و دل‌هایشان از نظر هدایت خراب است»⁹.

در ذیل این حدیث آمده است: «خداوند در چنان شرایطی، آنان را به چند بلا مبتلا می‌کند، جور سلطان و قحطی زمان و ظلم والیان و حاکمان»¹⁰.

فرق میان ظلم و جور (که در بسیاری از روایات در برابر هم قرار گرفته‌اند) ممکن است از این جهت باشد که واژه جور، در اصل به معنی انحراف از مسیر حق است، بنابراین جور سلطان به انحرافات صاحبان سلطه و فرمانروایان اطلاق می‌شود، در حالی که ظلم به معنی بی‌عدالتی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز فرموده است: «هر کس از شر شکم و زبان و آلت جنسی خود در امان بماند، از همه بدی‌ها محفوظ مانده است»¹¹.

⁹ بحار الانوار، ج 22، ص 453.

¹⁰ بحار الانوار، ج 22، ص 453.

¹¹ معراج السعادة، ص 310.

خوشبختانه اکثر زنان و مردان ایران اسلامی پاکدامن هستند. چه بسیار افرادی هستند که به آنها پیشنهاد گناه از طرف جنس مخالف شد ولی هرگز زیر بار گناه نرفتند و حاضر نشدند با خداوند مهربان مخالفت کنند و او را از خود ناراحت نمایند. پس پاک ماندند و خداوند هم در مقابل به آنها جوایز ارزنده ای عنایت کرد. نمونه ان داستان رجب علی خیاط که در جوانی در محلی خلوت، دختری به او پیشنهاد عمل نامشروع داد و لی رجبعلی بخاطر خدا قبول نکرد و پاک ماند و خداوند هم به او کرامات زیادی عنایت فرمود.

اینکه انسان شهوت خود را کنترل کند و فقط از حلال خدا استفاده کند یک مهارت بسیار مهم و سرنوشت ساز است که به ان تقوا گفته می شود. ادم با تقوا بر نفس خود کنترل دارد و نمیگذارد او را به هر جایی بکشاند بلکه ادم با تقوا بر نفس خود سوار شده و نفس را به کارهای خوب وادار می نماید.

. چه بسیار افرادی که این مهارت و هنر را نداشتند یعنی بی تقوا بودند و در نتیجه آلودگی پیدا کردند و از رسیدن به سعادت باز ماندند و نابود شدند.

کنترل شهوت یک مهارت بسیار ضروری است که باید ان را فرا گرفت تا جلو آثار شوم آن گرفته شود.

وقتی به افرادی که بخاطر عدم کنترل شهوت دست به گناهان بزرگی چون زنا و لواط و خودارضایی می زنند و گاهی در این مسیر شیطانی، به قتل و جنایت متوسل می شوند و نه تنها به خود بلکه به جامعه آسیب می رسانند، توجه می کنیم می فهمیم که نتایج رها شدن شهوت چقدر وحشتناک است.

چقدر در خبرها خواندیم که فلان جوان، دختر زیر ده ساله را مورد تجاوز قرار داد و او را به قتل رساند و در نهایت دستگیر و اعدام گردید! حتی افراد متاهلی بودند که دست به این گونه جنایات زدند!

یا افرادی که با محارم خود زنا می کنند

به عنوان مثال دختری می گوید هفت هشت ساله بودم که برادرم مرا به پشت بام برد و در آنجا با من عمل جنسی انجام داد!

از جمله نتیجه عدم کنترل شهوت، ارتباط نامشروع با زنان شوهر دار است که گناهی خیلی بزرگ دارد. و در مواردی این ارتباطات به قتل و جنایت منجر شده است.

در خبری آمده بود فلان زن شوهر دار که با مردی ارتباط نامشروع داشت برای از بین بردن موانع شهوانی و شیطانی خود چند فرزند بیگناه خود را کشت ولی در نهایت دستگیر شد و در زندان است منتظر اعدام خود می باشد!

از این گونه اخبار زیاد است و نشان از این می باشد که این افراد جنایتکار نتوانستند شهوت خود را کنترل کنند و این چنین از خوی انسانی پایین رفتند و به حیوان تبدیل شدند!

پس باید انسان همت کند و حتما در کنترل شهوت خود موفق بشود تا دچار ضرر و خسارت دنیوی و اخروی نگردد.

بخش اول: ازدواج پایه اساسی کنترل شهوت

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید

«وَلْيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»^{۱۲}

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان کسانی که دسترسی به ازدواج ندارند باید پاکدامنی بورزند تا خدا آنها را از فضلش بی‌نیاز گرداند. از این آیه معلوم می‌شود که قدم اول و راه اصلی در کنترل غریزه جنسی، ازدواج است

ازدواج در اول جوانی...

از مهم ترین راههای کنترل شهوت که اسلام پیشنهاد داده و بر روی آن خیلی تاکید نموده، ازدواج در اول جوانی و زندگی است. حتی سفارش شده که از سعادت انسان این است که دخترش هنوز عادت نشده ازدواج کند

و امام صادق (ع) فرمودند: روزی رسول اکرم (ص) بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: جبرئیل از پیشگاه الهی نزد من آمد و گفت دختران باکره مانند میوه روی درخت اند، موقعی که می‌رسد اگر چیده نشود، آفتاب فاسدش می‌کند و وزش باد آن را پراکنده می‌سازد، همچنین دختران وقتی به حد بلوغ رسیدند و مانند زنان در خویشتن تمایل جنسی احساس کردند، دارویی جز شوهر ندارند و اگر همسر نگیرند از فساد ایمن نیستند، چرا که بشرند و بشر از خطا و لغزش مصون نیست.^{۱۳}

^{۱۲} نور/ ۳۳.

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاهُ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُّ لِلْبَصَرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُذِمِّنِ الصَّوْمَ فَإِنَّ [الصَّوْمَ] لَهُ وَجَاءٌ»^{۱۴}؛ ای جوانان، هر یک از شما توان ازدواج دارد باید ازدواج بکند، چون ازدواج چشم را بیشتر از هر چیز نگه می دارد و شرمگاه را بیشتر محافظت می کند، و هر که این توان را ندارد به او روزه پیشنهاد می شود، چون روزه قاطع غریزه است

ازدواج روش اهل بیت علیهم السلام^{۱۵} بوده و مجرد زندگی کردن بدون علت خاص مردود و مذموم بوده است.

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمُ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^{۱۵}

خداوند در آیه مذکور دستور داده که: دختران و پسران صالح را به ازدواج هم در بیاورید که اگر فقیر هم باشند خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز می نماید زیرا خداوند زیاد کننده رزق و عالم به همه اسرار و نهان می باشد.

و پیامبرش فرمود:

«مَا بُنِيَ فِي الْأَسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»^{۱۶}؛

هیچ بنایی در اسلام در نزد خداوند عز و جل همانند ازدواج محبوب و عزیز نیست.

پیامبر اسلام در 25 سالگی از دواج کردند و ازدواج را سنت و روش خود می دانستند و کسانی را که عمدا و بدون علت خاصی، ازدواج نمی کردند جزو امت خود نمی دانستند^{۱۷}. همچنین اهل بیت علیهم السلام نیز ازدواج را ترویج و تشویق می کردند و خود اهل ازدواج بودند. فاطمه زهرا س در نه سالگی با علی ع که در سن 22 سالگی بودند، ازدواج کردند و فرزندانی بدنیا آوردند که جهان را به نور خود روشن نمودند. حسن ع و حسین. زینب و ام کلثوم.

^{۱۴} مکارم اخلاق، ص ۱۹۷

نور/ 32^{۱۵}

بحار الانوار، ج 100، ص 222، ح 40^{۱۶}.

3. مستدرک الوسائل، ابواب مقدمات نکاح، باب 1، حدیث 15.

اهل بیت علیهم السلام با مجرد زندگی کردن انسان ها مخالف بودند و گاهی افرادی که نزد اهل بیت علیهم السلام می آمدند و اجازه می خواستند که مجرد بمانند اهل بیت علیهم السلام اجازه نمی دادند.

امام رضا علیه السلام فرمود: زنی به امام باقر علیه السلام گفت: من متبتله هستم! حضرت فرمود: در نزد تو تبطل به چه معنی است؟ گفت: یعنی تصمیم دارم که هیچگاه ازدواج نکنم. امام فرمود: چرا؟ گفت: می خواهم به این وسیله دارای فضیلت بشوم. امام فرمود: از این تصمیم برگرد! زیرا اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود، حضرت فاطمه علیها السلام هم قبل از تو این کار را می کرد! زیرا هیچکس نمی تواند در فضیلتی از فاطمه علیها السلام پیشی بگیرد.^{۱۸}

امام محمد باقر علیه السلام: دوست ندارم که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم.^{۱۹}

رسول خدا صلی الله علیه و آله: دور رکعت نماز ازدواج کرده برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد!^{۲۰}

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است.^{۲۱}

امام رضا علیه السلام: از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود.^{۲۲}

امام جعفر صادق علیه السلام: مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می فرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند.^{۲۳}

معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام^{۱۸}

همان^{۱۹}

همان^{۲۰}

همان^{۲۱}

همان^{۲۲}

پیامبر اسلام: إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيتَ دِينَهُ وَخُلِقَهُ فَرَوْجُهُ وَلَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ

هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او ترا از این رضایت باز دارد^{۲۴}

امام .إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَإِنَّ أَبَوَيَّ أَرَادَا غَيْرَهَا قَالَ تَزَوَّجِ الَّتِي هَوَيْتَ وَدَعْ الَّتِي يَهْوَى أَبَوَاكَ جعفر صادق عليه السلام:

من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام عليه السلام فرمودند: با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت [بدون رضایت تو] انتخاب کرده‌اند، رها کن^{۲۵}

امام جعفر صادق عليه السلام: إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ وَيُبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ

همانا خداوند عز و جل خانه ای که در آن عروسی باشد را دوست می دارد و از خانه ای که در آن طلاق است مبغوض است و همانا چیزی مبغوض تر از طلاق نزد خدای عز و جل نیست^{۲۶}

²³ من لايحضر الفقيه ج 3 ، ص 385 ، ح 4353

مستدرک الوسائل ج 14 ، ص 188 ، ح 16468²⁴

کافی(ط-الاسلاميه) ج 5 ، ص 401 - تهذيب الاحكام (تحقيق خراسان) ج 7 ، ص 392 - وسایل الشیعه ج 20 ، ²⁵ ص 293

²⁶ کافی(ط-الاسلاميه) ج 6 ، ص 54 - وسایل الشیعه ج 22 ، ص 7 ، ح 27875

پیامبر اسلام: ما مِنْ شابٍ تزوّجَ فی حَدائِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَیْطَانُهُ : یا وَیْلَهُ ، یا وَیْلَهُ! عَصَمَ مِنِّی ثُلُثُ دِینِهِ ، فَلَیْتَقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِی الثُّلُثِ الْبَاقِی ؛

هر جوانی که در سن کم ازدواج کند ، شیطان فریاد بر می آورد که : وای بر من ، وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من ، مصون نگه داشت . پس بنده باید برای حفظ یک سوم باقی مانده دینش ، تقوای الهی پیشه سازد²⁷

ازدواج جویبر با دلفا...

جویبر «مرد جوان تازه مسلمانی است که در مدینه مانده تا دینش را نزد پیغمبر درست کند و در « صَفّه ای که کنار مسجد بود، در میان فقرا جا داشت. گاهی نان و گاهی خرما و گاهی هر دو از طرف پیغمبر به او می رسید

:روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مورد لطف بیشتری قرار داد و پرسید

«آیا میل ازدواج داری؟»

عرض کرد: «یا رسول الله! بلی اما کی به من دختر می دهد؟ من که نه مال دارم و نه شأن و نه حاصل روایت شریف این است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام، همه چیز را جبران می کند و اسلام سیاه و سفید ندارد.»²⁸

حضرت او را نزد زیاد بن لبید، - که از اشراف قبیله ای از قبایل اطراف مدینه بود - فرستاد و فرمود: «...» «به او بگو پیغمبر مرا فرستاده که دختری را به عقد من درآوری

نواد (راوندی) ص 12²⁷

²⁸ الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة: 73 / 24

جویر اطاعت کرد و رفت در مجلس زیاد بن لبید چند نفر دیگر هم حضور داشتند و گفت: «پیغمبی از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله برایت دارم، آیا در حضور دیگران بگویم یا خصوصاً».

زیاد گفت: «زهی شرف از پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله مانعی ندارد در حضور دیگران بگویی».

گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترت ذلفا را به عقد من درآوری».

«زیاد، یکه خورد و آنچه در دلش بود گفت: «تو همشأن ما نیستی، چگونه به تو دختر بدهم؟ جویر برخاست که برود، گفت: «به خدا سوگند! آنچه تو می گویی راه و روش اسلام نیست».

آنگاه حرکت کرد

«دختر از پدرش پرسید: «کی بود؟ و جریان چه بود؟»

زیاد گفت: «جوان فقیری آمده بود و می گفت از پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و او را «فرستاده است که تو را به او تزویج نمایم

دختر گفت: «پدر! زود دنبالش برو تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت نکرده است او را «بیاور

عجب ایمانی داشت! پرسید آیا مهندس است یا دکتر؟ حقوقش در ماه چقدر است؟ بلکه دین و تقوا را میزان می داند

زیاد به دنبال جویر رفت و گفت: «برگرد تا من خودم به مدینه بروم و بینم آیا خود رسول خدا «صلی الله علیه و آله چنین فرموده است یا نه؟

به مدینه آمد و جریان را از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود

آری من او را فرستاده ام». برگشت و لباس مناسبی برای جویر فراهم کرد، وسایل زندگی اش «را نیز تهیه و خانه ای نیز برایش آماده کرد

جویر، شب عروسی نگاه به صورت دختر کرد و جمالش را دید در حجله، عدل را رعایت کرد و گفت: «ای خدایی که تو به من نعمت دادی، شکر تو مقدّم بر هر چیزی است». و تا صبح، نماز و سجده شکر بجا آورد و فردا نیز به شکرانه این نعمت، روزه گرفت، سه شبانه روز وضعش چنین بود.

روز سوّم زیاد خیلی ناراحت بود، خدمت پیغمبر آمد و گفت مثل این که این داماد اقتضای ازدواج ندارد.

«پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی را به دنبالش فرستاد و از او پرسید: «مگر میل به زن نداری؟

» گفت: «چرا خیلی هم مایل هستم

». فرمود: «پس چرا از همسرت کناره گرفته ای؟

عرض کرد: «به خاطر شکر این نعمت بزرگ، خواستم سه شبانه روز، شبها به طاعت به سر برم و

» روزها روزه بگیرم؛ اما از امشب به سراغش می روم^{۲۹}

بخش دوم: کنترل چشم از مهم ترین عوامل کنترل شهوت

کنترل چشم:

پایه اساسی شهوت انسان از نگاه کردن شروع می شود اگر شخصی بتواند چشم خود را از حرام نگاه دارد حتما در کنترل شهوت موفقیت های بزرگی بدست می آورد. لذا قرآن دستور داده که مرد و زن چشم خود را از حرام دور نگه دارند . در تفاسیر شیعه و سنی ذیل آیه 30 سوره نور، نقل کرده اند که: «روزی در هوای گرم مدینه، زن جوانی در حالی که روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بناگوش او، پیدا بود، از کوچه ای عبور می کرد، مرد جوانی از انصار، آن حالت را مشاهده کرد و چنان غرق تماشا شد که از خود و اطرافش غافل گردید و به دنبال آن زن حرکت نموده تا این که صورتش به شی ای اصابت کرد و مجروح گردید، هنگامی که به خود آمد، خدمت پیامبر(ص) رفت و جریان را برای او بیان داشت، این جا بود که آیات سوره مبارکه نور در مورد پوشش زنان نازل گردید.

خداوند حکیم در قرآن کریم می فرماید: "قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ³⁰؛ به مردان باایمان بگو چشمهای خود را [از نگاه به نامحرمان] فرو گیرند و فروج خود را حفظ کنند! این برای آنها پاکیزه تر است. خداوند بر آنچه انجام می دهند آگاه است.

و به زنان باایمان بگو چشمهای خود را [از نگاه هوس آلود] فرو گیرند و شرمگاه خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار نکنند و [اطراف] روسریهای خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنانشان (زنان هم کیششان) یا بردگانشان (کنیزانشان) یا مردان سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند. و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیانشان دانسته شود (صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش رسد). و ای اهل ایمان! همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید."

قرآن کریم برای رفع این معضل اجتماعی در آیات شریفه سوره نور، از یک طرف مؤمنان اعم از زنان و مردان را مخاطب قرار داده دستور می دهد که نگاه های خود را کوتاه ساخته و به نامحرم خیره نشوند و از فساد و آلودگی دوری کنند و از سوی دیگر به خانم ها دستور می دهد پوشش مناسب را رعایت کرده و زیورآلات خود را آشکار نسازند. تا حوادث نظیر حادثه ای که آیه در ارتباط با آن نازل شده است، اتفاق نیفتد و جوانان از خود بی خود نشده و دنبال زنان و دختران نامحرم راه نیفتند و امنیت و آرامش خود و دیگران را خدشه دار نسازند.

در سوره احزاب نیز در یک جا به خانم ها دستور می دهد: «در محاورات روزمره حالت عادی داشته و با ناز و کرشمه و طنازی صحبت نکنید و در کوچه و خیابان با بدن های نیمه عریان و لباس های بدن نما، ظاهر نشوید.» چند آیه بعد می فرماید: «با چادر و مقنعه اندام خود را بپوشانید.» تمام این برنامه و تأکیدها برای آن است که: مردم، زن ها را به عنوان افراد عفیف و پاکدامن بشناسند و موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم نسازند. و چشم طمع ندوزند. و در نتیجه امنیت و آرامش قشر خانم ها در سایه چادر و رعایت ضوابط شریعت و پوشش اسلامی، تأمین شود.

در ادامه قرآن کریم می فرماید: با این راه و روش، اگر بیمار دلان هوسباز اصلاح نشدند و به آزار و اذیت خانم ها ادامه داده و امنیت و آرامش آنان را تهدید کردند. برخورد شدیدتری با آنان صورت خواهد گرفت: «اگر منافقان و بیمار دلان «شهوة پرست» و کسانی که در شهر، اضطراب و نگرانی به وجود می آورند از اعمال زشت خود دست برندارند، ترا «ای رسول» علیه ایشان می شورانیم، در آن صورت، مدت کمی در مجاورت با تو در این شهر زندگی خواهند کرد و نابود خواهند شد تا آرامش و امنیت در جامعه تأمین شود.

در زمان ما کنترل چشم از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است زیرا دیدنی های ممنوع و حرام بسیار بیشتر از زمان قدیم مخصوصا در صدر اسلام است. اگر انسان بتواند چشم خود را از هر حرامی در این زمان بازدارد از مسلمانان زمان های گذشته پاکدامن تر و باتقواتر است. اگرچه بعضی ها می گویند گذشتگان از ما بهتر بودند و باتقواتر و پاکدامن تر بودند ولی باید این نکته را در نظر داشت که در گذشته اسباب گناه کم بود و اصلا قابل مقایسه با زمان فعلی نیست لذا جوانانی که در این زمان گناه نمی کنند و شهوت خود را کنترل می کنند از گذشتگان باتقواتر و بهتر هستند!

حضرت علی - علیه السلام - درباره مواظبت و حفاظت از چشمها فرمود: چیزی در بدن کم سپاستر از چشم نیست، خواسته اش را ندهید که شما را از یاد خدا باز می دارد. **لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلَّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَسْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ**³¹

و روایات فراوانی نیز در این باره وارد شده و آثار بسیار مخرب دنیوی و اخروی نگاه به نامحرم را بیان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: **"النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ"**³² نگاه [به نامحرم] تیر زهر آلودی از تیرهای شیطان است. "و در روایت دیگر فرمود:

³¹ مستدرک الوسائل، ج 14 ص 269 باب 81، ح 12.

³² جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، 1363، ص 93، فصل 51.

"لِكُلِّ عُضْوٍ مِنْ بَنِي آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّنى وَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظَرُ وَاللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَالْأُذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَالْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَالرِّجْلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ"³³ برای هر عضوی از بنی آدم بهره ای از زناست و زناى چشم، نگاه [آلوده است و زناى زبان، سخن [نابه جا، مانند: غیبت و تهمت و دروغ] است. زناى گوشها، شنیدن [چیزهای حرام مانند: موسیقی و غیبت] است و زناى دستها، غلبه [بر دیگران به ظلم] است و زناى پاها رفتن [به جایی که رفتنش حرام است] می باشد."

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: "رُبَّ صَبَابَةٍ غُرِسَتْ مِنْ لَحْظَةٍ"³⁴ چه بسا نهال [هوسی] که از نیم نگاه کاشته شده است."

عواقب نگاه به نامحرم

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: "وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ مَحْرَمٍ مِنْهَا فَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ فَإِنْ أَوْطَأَتْ فِرَاشَهُ غَيْرَهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا"³⁵ و خداوند متعال از زنی که چشم خود را از غیر شوهر یا غیر محرم خود پر کند، خیلی خشمگین می گردد. اگر چنین کند، خداوند تمام کارهای [نیک] او را بی اثر می کند و اگر بیگانه ای را به منزل شوهرش راه دهد، بر خداوند حق است که او را بعد از اینکه در قبرش دچار عذاب کرد، با آتش بسوزاند."

در روایت دیگری می فرماید: "مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَحَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ"³⁶ کسی که دیده خود را از نگاه به زن نامحرم سیراب سازد، خداوند در روز قیامت چشمان او را به وسیله میخهای آتشین و آتش پر می

³³ مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت، قم، 1408 هـ، ج 14، ص 340، باب 12، ح 1.

³⁴ غرر الحکم و درر الکلم، ص 260، ح 5549.

³⁵ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت، قم، 1409 هـ، ج 20، ص 232، باب 129، ح 25509.

³⁶ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ترجمه ابراهیم محدث، نشر اخلاق، قم، 1379،

کند و تا پایان حساب رسی مردم بدین حالت خواهد بود. آن گاه دستور داده می شود که او را به آتش [جهنم] ببرند."

و امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: "مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثْرَ أَسْفِهِ^{۳۷} هر کس چشم خود را رها کند [و از نگاههای گناه آلود پاسداری ننماید]، تأسف و [ناراحتی] او زیاد خواهد شد." و امام صادق علیه السلام فرمود: "إِيَّاكُمْ وَالنَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي قَلْبِ صَاحِبِهَا الشَّهْوَةَ وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً^{۳۸} از نگاه کردن [به نامحرم] پرهیزید! زیرا این عمل باعث کاشته شدن بذر شهوت در دل صاحبش می شود و این خود برای به فتنه و گناه انداختن صاحب آن نگاه کافی است."

آثار خودداری از نگاه به نامحرم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ^{۳۹} چشمهایتان را [هنگام برخورد با نامحرم] فرو بندید تا چیزهای عجیبی را ببینید." یعنی بر اثر گناه نکردن حالت معنوی و ملکوتی پیدا می کنید و حقایقی را می بینید که برایتان شگفت انگیز است. و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: "مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَّاحَ قَلْبِهِ^{۴۰} هر کس چشم خود را فرو بندد، دل خود را آسوده می کند." و نیز فرمود: "مَنْ عَفَّتْ أَطْرَافُهُ حَسَنَتْ أَوْصَافُهُ^{۴۱} کسی که چشمانش عقیف باشد، اوصاف او نیکو می شود."

و امام صادق علیه السلام فرمود: "مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَمَضَ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ^{۴۲} کسی که نگاهش به زن بیگانه ای بیفتد و [برای اینکه

^{۳۷} الفروع من الکافی، ج ۸، ص ۲۲، کتاب الروضة، خطبة الامام أمير المؤمنين عليه السلام.

^{۳۸} مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۰، باب ۸۱، ح ۹.

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۹، باب ۸۱، ح ۸.

۳۹

^{۴۰} همان، ص ۲۷۱، باب ۸۱، ح ۱۲.

^{۴۱} غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۶، ح ۵۴۲۸.

^{۴۲} من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۳، ص ۴۷۳،

گناه نکند،] دیده اش را به طرف آسمان بلند کند یا آن را ببندد، نگاهش به سوی او بر نمی گردد مگر اینکه خداوند زنی از حور العین به او تزویج می کند."

در قیامت از ما درباره نگاه هایی که کردیم سوال می شود!

از نظر قرآن، انسان نسبت به اعضا و جوارح خود مسئول است و باید پاسخگوی چگونگی استفاده از آن باشد: **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**؛ به راستی که درباره هر یک از گوش و چشم و قلب سوال می شود (اسراء، آیه 36). البته ممکن است که از صاحبان اعضا درباره عملکرد هر یک از آنها سوال شود؛ یا ممکن است که از خود هر یک از آن اعضا درباره عملکرد خودشان سوال شود؛ زیرا روزی می رسد که زبان بسته می شود و هر یک از اعضا و جوارح خود سخن می گویند و در حقیقت مسئول بوده و از آنها سوال می شود؛ چنانکه خداوند می فرماید:

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ به پوست بدن خود

می گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ آنها می گویند: همان خدایی که هر چیزی را گویا کرده ما را گویا گردانیده است (فصلت، آیه 21). پس خدایی که تکه گوشتی به نام زبان را به نطق و گویایی در آورده می تواند دیگر اعضا را نیز گویا کند. در این حالت از اعضا به عنوان «مسئول» در قبال عملکرد خودشان و نیز درباره عملکرد صاحب این اعضا که همان فرد انسانی باشد، سوال می شود. پس اگر سائل خدا باشد، مسئول یا خود فرد است یا اعضا و جوارح او؛ چنانکه «مسئول عنه»، نیز یا عملکرد خود آن اعضا است یا عملکرد کلی خود صاحب آن اعضا .

انسان برای کسب حقایق و دستیابی به علم باید از ابزارهای شناختی و قوه ادراکی یعنی قلب و گوش و چشم استفاده کند (اسراء، آیه 36). اما وسوسه های نفسانی و زیاده خواهی نفس و خواهش های آن و همچنین وسوسه های دشمن سوگند خورده ای به نام ابلیس و شیطان نمی گذارد انسان از ابزارهای شنوایی و بینایی و گویایی به درستی استفاده کند. شیطان با وسوسه انسان را

وامی دارد تا برای نظربازی، هیزنگری، چشم چرانی، هرزه نگری و مانند آنها از چشم و قوه بینایی استفاده کند .

ما اجازه نداریم به هر چیزی نگاه کنیم چون از تمام نگاههایی که کردیم از ما سوال می شود و این خیلی سخت است و اکثر ما ها گیر هستیم! مخصوصا در زمان ما با این گوشی ها! با این فضای مجازی ها! با این ماهواره ها! حتی فیلمهای تلویزیون خودمان که گاه فیلمهای نامناسب می گذارند! اگر در کوچه ای عبور کردیم و درخانه ای باز بود و ما عمدا به داخل منزل نگاه کردیم! اگر مهمانی رفتیم و به نامحرم نگاه کردیم! اگر در کوچه خلوت به نامحرمی برخورد کردیم و چشم چرانی کردیم واگر.....

مگر اینکه زرنگی کنیم و قبل از مردن توبه کنیم شاید خداوند توبه پذیر، نگاههای حرامی که کردیم را ببخشد و در قیامت ما را رسوا و معذب نفرماید! استغفرالله ربی و اتوب الیه من کل ذنب و جرم لاسیما من کل نظر الحرام!

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه ها را علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می کند و بسیاری از خوابها و رؤیاها و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می گردد .

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتلم شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است . و هرگاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین علیهم السلام داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است .

«روزی حضرت عیسی علیه السلام بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند . موقع دعا، عیسی علیه السلام گفت: هر که گناهی مرتکب شده برگردد . همه بجز یکنفر بازگشتند . حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتمشای او مشغول شدم . ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاپ کردم !

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی علیه السلام آمین گفت و باران آمد.»⁽²⁾

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دورماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب علیه السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: پدرم تورا به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تورا راهنمایی کنم. موسی علیه السلام چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!⁽³⁾

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده‌ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

زدست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زنم بردیده تا دل گردد آزاد

«چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است. ازدواج‌هایی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره نگاه می‌کرد

و بر زبان لا اله الا الله! جاری می‌کرد. یکنفر برای تذکر به او وارد مغازه‌اش شد و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه‌اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لا اله الا الله! از مقابل مغازه شما رد شد!!»

چشم برای دیدن حلال

چشم برای نگاههای حلال در اختیار ما به امانت داده شده است نگاه به همسر و والدین و فرزندان و محارم و دوستان و علما و کعبه و قران و اب جاری و عظمت الهی و آیات انفس و افاقی و...

پس عهد ببندیم به حرام نگاه نکنیم. به آنچه برای ما ممنوع است نگاه نکنیم.

اگر می خواهیم چشمان لیاقت نگاه به امام زمان پیدا کند از حرام چشم ببوشیم.

زنها و دخترها هم باید همانند مردها و پسرها مواظب چشمان خود باشند و چشم خود را بر حرام ببندند. در این رابطه روایتی است که:

«روزی خاتم پیامبران (ص)، در جمع مسلمانان سؤال کرد: مرا خبر دهید که بهترین چیز برای زنان کدام است؟ [بسیاری از حاضران جواب‌هایی دادند که مورد تأیید قرار نگرفت تا اینکه] حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: (خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ) بهترین چیز برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردی هم آنان را نبیند .

جواب صحیح فاطمه زهرا (س) پس از ناتوانی حاضران، چنان پیامبر(ص) را به وجد آورد که فرمود:

فاطمه پاره تن من است.»^{۴۳}

مغازة دارها مواظب باشند

جوانی می گفت هر شب شیطونی می شوم وقتی از شغلش سوال شد گفت دست فروشم.

معلوم شد که بخاطر شغلش مرتب به زنها و مردها خیابان نگاه می کند و نگاه به زنها باعث می شود در خواب محتمل و جنب شود

گوهرشاد و جوانی که چشم چرانی کرد..

گوهرشاد خانم (همسر شاهرخ میرزا و عروس امیر تیمور گورکانی) سازنده ی مسجد معروف گوهرشاد مشهد، پیش از ساختن مسجد به دست اندرکاران گفت: از محل آوردن مصالح ساختمانی تا مسجد برای حیوانات باربر ظرفهای آب و علف بگذارید، مبادا حیوانی در حال گرسنگی و تشنگی بار بکشد. از زدن حیوانات پرهیز کنید، ساعات کار باید معین باشد و مزد مطابق زحمت داده شود و...

گوهرشاد خانم، بیشتر وقتها خود جهت هدایت و سرکشی حاضر می شد و دستورات لازم را می دارد. روزی یکی از کارگران به طور ناگهانی چشمانش به صورت او افتاد و در اثر همین نگاه، آتش عشق در وجودش شعله ور گشته و عاشق دلباخته ی او شد؛ اما در این باره نمی توانست چیزی بگوید تا اینکه غم و غصه ی فراوان او را مریض کرد. به خانم گزارش دادند که یکی از کارگران که با مادرش زندگی می کرد مریض شده است. بعد از شنیدن این ماجرا خانم به عیادتش رفت و علت را جویا شد. مادر کارگر جوان گفت: او عاشق شما شده است. خانم با اینکه عروس شاهزاده بود، اما هیچ ناراحت نشد! به مادر جوان گفت: باشد، وقتی من از همسرم جدا شدم با او ازدواج می کنم ولی به شرط اینکه مهریه من را قبل از ازدواج بپردازد و آن این است که چهل شبانه روز در محراب این مسجد نیمه کاره عبادت کند. جوان پذیرفت، چند روز از پی عشق او عبادت کرد؛ ولی با توجه خاص امام رضا (علیه السلام) (حالش تغییر یافت) و از آن پس بخاطر خدا عبادت کرد.

پس از چهل روز، گوهرشاد خانم از حالش جویا شد، جوان به فرستاده ی خانم گفت: به خاطر لذتی که در اطاعت و بندگی خدا یافتم، از لذت نفس شهوانی پرهیز کرده ام. (بخاطر اینکه لذت عبادت را فهمیده ام، دیگر عاشق خدا شده ام)^{۴۴}

احکام نگاه کردن (از رساله امام خمینی)

2433 نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

2434 اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دستهای زنهای اهل کتاب مثل زنهای یهود و نصارا نگاه کند در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد.

2435 زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.

2436 نگاه کردن به عورت دیگری حرام است اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز هم نگاه نکنند. ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

2437 مرد و زنی که با یکدیگر محرمند اگر قصد لذت نداشته باشند می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

2438 مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

2439 عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، ولی اگر برای عکس برداشتن مجبور شود که حرام دیگری انجام دهد مثلاً دست به بدن او بزند یا نظرش به صورت زینت شده او یا به سایر

بدن او بیافتد، نباید عکس او را بردارد. و اگر زن نامحرمی را بشناسد، در صورتی که آن زن متهمتک نباشد نباید به عکس او نگاه کند.

2440 اگر در حال ناچاری زن بخواهد زن دیگر، یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند، یا عورت او را آب بکشد باید چیزی در دست کند که دست او به عورت نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگر دیگری، یا زنی غیر زن خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد.

2441 اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.

2442 اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنابر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره‌ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

برای کنترل نگاه به نامحرم چه باید کرد؟

اگر از اول جوانی ادم بتواند چشم خودش رو از حرام و نامحرم بپوشونه دیگه نگاه نکردن به حرام براش آسان و راحت میشود ولی اگر عادت به چشم چرانی پیدا کنه خیلی سخته بتواند این عادت رو ترک کنه.

همچنین اگر خدا رو همیشه حاضر و ناظر ببینه و اینکه عالم و جهان محضر خداست اونوقت در محضر خدا معصیت نمی کنه

اگر انسان بداند که وقتی دارد چشم چرانی می کند از انسانیت خودش درمیاد و به حیوان تبدیل میشه این دانستن در کنترل چشم او می تواند موثر واقع گردد.

مردها ناگهان زن شدند!

یکی از کسانی که بر اثر عبادت و ریاضت به چشم برزخی دست یافته بود می گوید من سوار اتوبس بودم. در یکی از ایستگاهها خانم بی حجابی سوار شد. مردها به او چشم چرانی می کردند ناگاه دیدم مردها همه زن شدند!!!! در ایستگاه بعدی ان زن پیاده شد. مردهایی که تبدیل به زن شدند دوباره به مردیت خود برگشتند!^{۴۵}

از جمله کسانی که در کنترل شهوت نقش مهمی دارند دختر خانم ها هستند! می توانیم با اطمینان بگوییم که چنانچه وضع ظاهری دختران و بانوان فریبده نباشد آمار چشم چرانی و شهوت رانی به نحو قابل توجهی کاهش پیدا می کند. در این مورد به داستان زیر توجه فرمایید:

یکی از روحانیون مستقر در دانشگاه می گوید:

در یکی از روزها، ساعت حدود ۵ عصر بود و من مشغول نوشتن یک طرح برای باشگاه پژوهشی در کمیته ی فرهنگی بودم کاملاً تمرکز گرفته بودم که ناگهان یک دختر خانمی مانتویی با
ظاهری بسیار نامناسب وارد اتاق من شد و سلام کرد

جواب سلامش که دادم بدون مقدمه گفت

حاج اقا ببخشید می توانم به شما اعتماد کنم؟ بچه می گویند راز کسی را فاش نمی کنید
من هم بگونه ای که خیالش را راحت کنم محکم گفتم

«مطمئن باش من در موضع مشورت به هیچ کس خیانت نمی کنم»

همین که خیالش راحت شد چند لحظه ای سکوت کرد و بعد با احتیاط گفت

حاج اقا من یک سؤال شرعی دارم آیا دختران می توانند برای امنیت خود اسلحه همراه «
خودشان داشته باشند؟

شما بودی چی می گفتی؟

من که از تعجب نمی دانستم چه بگویم تمرکز گرفتم و با تامل گفتم

«منظورت را واضح تر بگو»

آن دختر خانم که یک دیگر جرات حرف زدن پیدا کرد بود گفت

حاج اقا راستش را بخواهید من هر روز یک اسلحه رزمی امثال چاقو و ... با خودم دارم ولی می «
»!خواهم یک کلت کمری تهیه کنم

!توی این دانشگاه ما چیزهایی آدم می بیند که در هیچ جای دنیا نمونه ندارد

«گفتم: «آخه چرا؟

گفت: «حاج اقا من بعضی وقتها که تا ساعت ۹ یا ۱۰ شب کلاس دارم وقتی به منزل برگردم
نزدیک ساعت ۱۱ شب می شود برای همین وقتی از دانشگاه به طرف خانه می روم در پیاده رو که
پسرها اذیت می کنند و متلک می گویند وقتی منتظر تا کسی می شوم ماشین ها مدل بالابوق می
زنند و اذیت می کنند! حاج اقا بخدا شاید وضع ظاهریم به نظر شما بد باشد ولی من اهل خلاف و

«! رابطه های نامشروع نیستم من فقط دلم می خواهد خوش تیپ باشم

من هم بدون مکث گفتم: «خوب از نظر دین هیچ طوری نیست شما اسلحه دفاعی داشته باشید اصلا همه دختران برای دفاع از خود باید نوعی اسلحه حمل نمایند ولی نه هر سلاحی یک نوع» سلاح است که خیلی هم قدرت تخریب و دفاعی بالایی دارد

بنده ی خدا که منتظر موضع مخالف من بود با این حرفهای من داشت شاخ در می آورد برای «همین خیلی زود گفت: «چی؟ چه؟ چه اسلحه ایی مجاز است؟ اسمش چیه؟

من که دیدم بدجوری عجله دارد گفتم: «اگر بگویم قول می دهی یک هفته استفاده کنی اگر» جواب نداد دیگر استفاده نکنی

«! بنده خدا خیلی هیجان زده شده بود گفت: «قول می دم قول می دم ... قول مردونه

گفتم: «اسم آن سلاح بی خطر و بسیار کار آمد چادر است! شما یک هفته استفاده کنید ببینید اگر» «کسی مزاحم شما شد دیگر هیچ وقت به طرفش نروید

با تعجب مثل کسی که ناگهان همه انرژی او کاهش پیدا کرده باشد گفت: «چادر! اخه چادر» ...»

«گفتم: «دیگه اخه ندارد یک هفته هم هیچ اتفاقی نمی افتد

. با حالت نیمه ناامیدی تشکر کرد و رفت

و من ماندم و فکر مشغول که ای بابا عجب کاری کردم نکند بنده خدا دیگر هیچ وقت سراغ

چادر نرود نکند از مشورت کردن با روحانی بیزار شود. حضرت وجدان من را سرگرم این فکرها کرده بود که یادم افتاد به حرف امام خمینی عزیز که فرمودند: «ما مامور به وظیفه هستیم نه مامور به»
»! نتیجه

لذا با خدای خودم خیلی خودمانی گفتم: «خدایا من سعی کردم وظیفه ام را انجام دهم انشالله»
...مورد رضایت تو قرار گرفته باشد بقیه اش هم، هر چه تو صلاح بدانی

مدت حدود یکی دو ماه از جریان گذشت و من به کلی فراموش کرده بودم تا اینکه روزی یک
»خانم محجبه به اتاق من آمد سلام کرد گفت: «حاج اقا می شناسی؟

»من هم هرچه فکر کردم به یاد نیاوردم برای همین گفتم: «بخشید شما را نمی شناسم

گفت: «من همان دختری هستم که اسلحه به من دادی تا همراه خودم حمل کنم حالا هم که می
بینید مثل یک بچه ی خوب، سلاح چادر حمل می کنم هرچند هنوز درست و حسابی چادری
نشده ام! ولی مادرم خیلی دعاتون کرده چونکه هر روز بخاطر چادر نپوشیدن من در خانه دعوا
داشتیم. راستش حاج اقا خانواده ما مخصوصا مادرم چادری هست و اهل مجالس مذهبی ولی من
»فرزند ناخلف شده بودم که حالا به قول مادرم سر به راه شدم

من هم که حیرت زده شده بودم گفتم: «خوب برایم تعریف کنید چه شد که چادری بودن را
»ادامه دادی؟

مکشی کرد شروع به گفتن جریان کرد: «راستش حاج آقا وقتی از اتاق شما رفتم خیلی درباره
حرفهای شما با تردید فکر کردم ولی تصمیم گرفتم امتحان کنم برای همین چند روزی وقت
برگشتن از دانشگاه بطوری که همکلاسی ها متوجه نشوند مخفیانه چادر می پوشیدم ولی از وقتی
که چادر بر سر می کنم ساعت ۱۰ و یا ۱۱ شب هم که از دانشگاه بر می گردم نه پسری به من

مملک می گوید نه ماشین مزاحم بوق می زند اصلا کسی تصور نمی کند که من چادری اهل خلاف باشم راستش را بخواهید بدانید هیچ وقت فکر نمی کردم دخترهای چادری این همه امنیت دارند! و این همه خیالشان از بابت مزاحم های خیابانی راحت است. کم کم جریان چادری پوشیدن من را بچه های کلاس متوجه شدند الان هم مدتها است که دائم با چادر رفت و آمد می کنم و از کسی هم خجالت نمی کشم البته فکر نکنید حالا دیگر بسیجی شده ام ولی قصد ندارم اسلحه ایی که تازه کشفش کرده ام را به این راحتی از دست بدهم. بعضی از دخترای کلاس مملک می گویند ولی بیچاره ها خبر ندارند من چه گنجی یافته ام. البته جریان را برای یکی از بچه ها که نقل کردم تمایل پیدا کرده برای فرار از دست مزاحم ها چادر بپوشد ولی خودش می گوید «خانواده اش اصلا اهل چادر و امثال چادر نیستند ولی فکر کنم تصمیم دارد چادر بخرد

راستش را بخواهید من دیگر حرفی برای گفتن نداشتم برای همین فقط به حرفهای او توجه می کردم دلم می خواست زودتر از اتاق بروم تا اشکهایم سرازیر شوند

وقتی از اتاق رفت تنها کاری که توانستم انجام بدهم سجده شکر بود^{۴۶}

بزرگان و کنترل چشم!

شیخ مفید و دو شاگرد بزرگوارش:

سید رضی و سید مرتضی نوجوان بودند که برای درس نزد شیخ مفید آمدند. شیخ فقط روز اول به آنها نگاه کرد و دیگر تا چند سال که به آنها درس می داد صورت آنها را ندید تا اینکه مادرشان

روزی آمد و گفت شیخ! فرزندان من ریش و سیل درآورده اند! وقت ازدواجشان است. شیخ نگاه کرد دید اری اینها بزرگ شده و محاسن دارند.^{۴۷}

و این همان ورع و تقوایی است که انسان را به خدا می رساند و نجات دهنده انسان در دو سرا است

چشم ترس مرحوم قاضی:

خود ایشان می گوید: « چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود.^{۴۸} »

حاج شیخ عبد الکریم حائری فرمودند:

آنقدر مراقب چشم خود بودم که حتی اگر در خواب هم نامحرم می دیدم در همان عالم رویاء هم چشمم را می بستم

روحانی که تلویزیون پشت بخاری گذاشته بود:

یکی از علما تلویزیون را پشت بخاری گذاشته بود تا فقط صدای آن را بشنود و تصاویر نامحرم را نبیند!

مرحوم تربتی و در منزل دختری که قرار بود بگیرد:

^{۴۷}داستانهایی از زندگی علماء
^{۴۸}سید علی قاضی و شاگردانش

ایشان در جوانی قرار بود با دختری ازدواج کند که سر نگرفت. ایشان فرمود با اینکه اکثراً از در خانه آن دختر عبور می کردم ولی هرگز به در خانه آن دختر نگاه نکردم!^{۴۹}

چهل سال به خواهر زن نگاه نکرد!

از مرحوم ارباب استاد ایه الله بروجردی و استاد مرحوم نخودکی نقل شده که من با خواهر زنم در یک منزل بودیم به مدت چهل سال. یکبار به خواهر زنم نگاه نکردم!^{۵۰}

❖❖❖ چشم ترس، اثر مراقبه ❖❖❖

آقا سید هاشم حداد می فرمودند: « من در تمام مدت سلوک در خدمت مرحوم آقا (قاضی) نامحرم نمی دیدم، چشمم به زن نامحرم نمی افتاد

.یک روز مادرم به من گفت: عیال تو از خواهرش خیلی زیباتر است

من گفتم: من خواهرش را تا به حال ندیده ام، گفت: چطور ندیده ای در حالی که بیشتر از دو سال است که در اطاق ما می آید و می رود و غالباً بر سر یک سفره غذا می خوریم؟! به رسم اعراب که زنانشان حجاب درستی ندارند و در منزل غالباً همه با هم محشورند؛ در عین عصمت تام و عفت کامل. من گفتم: والله! که یک بار هم چشم من به او نیفتاده است!! و این عدم نظر نه از روی حفظ و خودداری چشم بوده است؛ طبعاً حالشان اینطور بوده است

نظیر این مطلب را مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی از خودشان نقل کردند؛ البته در یک اربعین یا بیشتر، مرحوم قاضی دستوراتی برای ذکر و ورد و فکر به ایشان داده بودند که از جمله

⁴⁹ نشان از بی نشانها

⁵⁰ خاطرات ایه الله عبدالخالق عبداللهی از شاگردان مرحوم ایه الله ارباب

آثارش این بود که: هر وقت در کوچه و بازار که می رفتم چشمم به زن نامحرمی می افتاد، بدون « .اختیار پلکهایم به روی هم می آمد؛ و این مشهود بود که بدون اراده و اختیار من است

منبع: عطش

آیت الله مرعشی نجفی فرمود: هفتاد سال است که نگاه به نامحرم نکرده ام⁵¹

امام سجاد (ع) می فرمایند: هر عضوی ، حقی بر انسان دارد و در مورد حق چشم چنین فرمود: حق چشم آن است که ، آن را از نگاههای آلوده و حرام حفظ کنی و از بیهوده نظر کردن به برخی مناظر ، نگاه داری و با آن به دیده عبرت بنگری. حضرت داود(ع) به فرزند خود فرمود: ای فرزند من ، به دنبال شیر حرکت کن ولی پشت سر زن راه مرو که شیطان لعین گفته است: « نگاه کردن کمان قوی من است و تیری است که هرگز به خطا نمی رود»

کلام قدسی حضرت زهرا علیها سلام در مورد نگاه:امیر المومنین علیه السلام فرمودند: شخص کوری اجازه خواست وارد خانه حضرت زهرا علیها سلام شود، آن بزرگوار اجازه نداد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه جان، او که تو را نمی بیند. فاطمه علیها السلام عرض کردند: اگر او مرا نمی بیند، من او را میبینم و او بوی مرا استشمام میکند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شهادت میدهم که تو پاره تن من هستی.

ام سلمه میگوید: در محضر پیامبر (ص) بودم و میمونه نیز آنجا بود، مرد کوری به نام عبدالله بن ام مکتوم وارد شد... پیامبر (ص) به ما امر فرمودند خود را بپوشانیم.

عرض کردیم: یا رسول ا... آیا او نایینا نیست؟ او ما را نمی بیند. رسول اکرم (ص) فرمودند: آیا شما دو نفر نیز نایینا هستید؟ آیا شما هم او را نمی بینید؟

علامه طباطبایی: هر موقع روز فقط با قرآن هستم شب خواب های ملکوتی می بینم. و هر موقع در روز با مردم در ارتباط خوابهای اشفته می بینم!...

تحولی عظیم

علامه طباطبایی می فرمودند: «حدیث: من أخلص لله أربعين صباحاً، فجر الله ينابيع الحكمة من قبله على لسانه: هر کس چهل روز خود را برای خداوند خالص کند، خداوند چشمه های حکمت را از دلش بر زبان وی جاری و روان می کند.» را خواندم و تصمیم گرفتم بدان عمل کنم. **پس از آن چله، هر گاه اندیشه و تصور گناهی به ذهنم می آمد، ناخود آگاه و بی فاصله از ذهنم می رفت.**^{۵۲}

در توضیح مطلب فوق باید گفت در این چهل روز نگاه ناروا نداشته اند. که در روایت است هر کسی نگاه از حرام باز دارد خداوند به او حکمت می دهد. و یکی از مصادیق ادم حکیم انست که فکر گناه در او جا گیر نمی شود.

همچنین در روایت است که چشم بر حرام ببندید تا عجایب ببینید! داستان زیر در این زمینه است:

گفتگو با حضرت ادریس (ع)

علامه طباطبایی فرمود:

«به یاد دارم هنگامی که در نجف اشرف تحت تربیت اخلاقی و عرفانی مرحوم حاج میرزا علی قاضی (ره) بودیم، سحرگاهی بر بالای بام بر سجاده عبادت نشسته بودم. در این موقع نعاسی (خواب سبک) به من دست داد و مشاهده کردم دو نفر در مقابل من نشسته اند. یکی از آنها حضرت ادریس (علی نبینا و آله و علیه السلام) بود و دیگری برادر عزیز و ارجمند خودم آقای حاج سید محمد حسن الهی طباطبایی که فعلاً در تبریز سکونت دارند. حضرت ادریس علیه

السلام با من به مذاکره و سخن مشغول شدند ولی طوری بود که ایشان القای کلام می نمودند و تکلم و صحبت می کردند، ولی سخنان ایشان به واسطه کلام آقای اخوی استماع می شد... و این اولین انتقالی بود که عالم طبیعت را برای من به جهان ماوراء طبیعت پیوست و رشته ارتباط ما از اینجا شروع شد.»^{۵۳}

شهیدی که خواست از رودخانه اب بیاورد

شهید احمدعلی تیری در 29 تیرماه 1345 شمسی در روستای آینه ورزان دماوند به دنیا آمد
احمدعلی تیری در 27/11/1364 در عملیات والفجر 8 منطقه عملیاتی اروند، به آرزویش، که شهادت در راه خدا بود، رسید. یکی از دوستانش، که هنگام شهادت با او بود، می‌گوید: ترکش به پهلویش خورد و به زمین افتاد، از ما خواست که بلندش کنیم، بلند شد و دستش را روی سینه گذاشت و سلام بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام داد و به شهادت رسید.
مزار شهید احمدعلی تیری در قطعه 24 بهشت زهرا، کنار بلوار، پنج ردیف بالاتر از مزار شهید دکتر چمران قرار دارد.

شهید احمدعلی تیری در نامه‌ای به یکی از دوستانش می‌نویسد:

به این دو بیت عمل کن:

پیری و جوانی چو شب و روز برآید

ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم

بر لوح معاصی خط عذری نکشیدیم

پهلوی کبائر حسنه‌ناتی ننوشتیم

ترک گناه به خاطر خدا

احمد امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نمی‌کرد. فقط زمانی برافروخته می‌شد که می‌دید کسی در یک جمعی غیبت می‌کند و پشت سر دیگران صحبت می‌کرد در این شرایط دیگر

ملاحظه بزرگی و کوچکی را نمی کرد با قاطعیت از شخص غیبت کننده می خواست که ادامه ندهد.

من در آن دوران نزدیکترین دوست احمد بودم. ما رازدار هم بودیم. یک بار از احمد پرسیدم که احمد من و تو از بچگی همیشه با هم بودیم اما سوالی از تو دارم نمی دانم چرا در این چند سال اخیر شما این قدر رشد معنوی کردید اما من... لبخندی زد و می خواست بحث را عوض کند اما دوباره سوالم را پرسیم بعد از کلی اصرار سرش را بالا آورد و گفت: طاقتش را داری؟! با تعجب گفتم: طاقت چی رو؟! گفت بنشین تا بهت بگم.

نفس عمیقی کشید و گفت یک روز با رفقای محل و بچه های مسجد رفته بودیم دماوند. شما توی آن سفر نبودید همه رفقا مشغول بازی و سرگرمی بودند. یکی از بزرگترها گفت احمد آقا برو این کتری رو آب کن و بیار تا چای درست کنیم. بعد جایی رو نشان داد گفت اون جا رودخانه است برو اون جا آب بیار من هم را افتادم. راه زیادی نبود از لا به لای بوته ها و درخت ها به رودخانه نزدیک شدم تا چشمم به رودخانه افتاد یک دفعه سرم را پایین انداختم و همان جا نشستم! بدنم شروع به لرزیدن کرد نمی دانستم چه کار کنم! همان جا پشت بوته ها مخفی شدم. من می توانستم به راحتی یک گناه بزرگ انجام دهم. در پشت آن بوته ها چندین دختر جوان مشغول شنا کردن بودند. من همان جا خدا را صدا کردم و گفتم: «خدایا کمکم کن الان شیطان من را وسوسه می کند که من نگاه کنم هیچ کس هم متوجه نمی شود اما به خاطر تو از این گناه می گذرم».

بعد کتری خالی را از آن جا برداشتم و از جای دیگر آب آوردم. بچه ها مشغول بازی بودند. من هم شروع به آتش درست کردن بودم خیلی دود توی چشمانم رفت. اشک همین طور از چشمانم جاری بود. یادم افتاد که حاج آقا گفته بود: «هر کس برای خدا گریه کند خداوند او را خیلی دوست خواهد داشت.» من همینطور که اشک می ریختم گفتم از این به بعد برای خدا گریه می کنم. حالم خیلی منقلب بود. از آن امتحان سختی که در کنار رودخانه برایم پیش آمده بود هنوز دگرگون بودم. همین طور که داشتم اشک می ریختم و با خدا مناجات می کردم خیلی با توجه گفتم: «یا الله یا الله...» به محض این که این عبارت را تکرار کردم صدایی شنیدم ناخودآگاه از جایم بلند شدم. از سنگ ریزه ها و تمام کوه ها و درخت ها صدا می آمد. همه می گفتند: «سُبْحُ

قدّوس ربُّنا و رب الملائکة والرُّوح» (پاک و مطهر است پروردگار ما و پروردگار ملائکه و روح) وقتی این صدا را شنیدم ناباورانه به اطراف خودم نگاه کردم دیدم بچه‌ها متوجه نشدند. من در آن غروب با بدنی که از وحشت می‌لرزید به اطراف می‌رفتم از همه ذرات عالم این صدا را می‌شنیدم! احمد بعد از آن کمی سکوت کرد. بعد با صدایی آرام ادامه داد: از آن موقع کم کم درهایی از عالم بالا به روی من باز شد! احمد بلند شد و گفت این را برای تعریف از خودم نگفتم. گفتم تا بدانی انسانی که گناه را ترک کند چه مقامی پیش خدا دارد. بعد گفتم: «تا زنده‌ام برای کسی این ماجرا را تعریف نکن.»

او یکی از شاگردان خاص آیت الله حق شناس بود
عارف وارسته آیت الله حق شناس فرمودند:

در این تهران بگردید ببینید کسی مانند این احمد آقانیری پیدا می‌شود یا نه؟!
ایشان در مجلسی که بعد از شهادت احمد علی داشتند بین دو نماز، سخنرانیشان را به این شهید بزرگوار اختصاص داده و با آهی از حسرت که در فراق احمد بود بیان داشتند:
"این شهید را دیشب در عالم رویا دیدم. از احمد پرسیدم چه خبر؟ به من فرمود: تمام مطالبی که (از برزخ و...) می‌گویند حق است. از شب اول قبر و سوال و... اما من را بی حساب و کتاب بردند. رفقا، آیت الله بروجردی حساب و کتاب داشتند. اما من نمی‌دانم این جوان چه کرده بود. چه کرد که به اینجا رسید⁵⁴."

امام زین العابدین علیه السلام:

«كُلُّ عَيْنٍ سَاهِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ عُيُونٍ: عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ».

⁵⁴ برگرفته از: کتاب عارفانه (زندگی نامه شهید احمدعلی نیری) به کوشش گروه شهید ابراهیم هادی، نشر امینان

تمام چشم‌ها در روز قیامت گریان و چون چشمه روانند مگر سه چشم: چشم بیداری کشیده در راه خدا و چشم فروهشته از حرام‌های الهی و چشم اشک بار از ترس خدا^{۵۵}

امام صادق (علیه السلام)

مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ خَطَاً مِنَ الزَّانَا فَرِنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ وَزَنَا الْقَبْلَةُ وَزَنَا الْيَدَيْنِ اللَّمْسُ
صَدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَوْ كَذَبَ

کسی نیست که بهره‌ای از زنا به او نرسیده باشد

- زنای چشم نگاه به نامحرم است -
- زنای زبان، سخن گفتن [به قصد لذت] با نامحرم است -
- زنا دهان، بوسیدن نامشروع است -
- زنای دست، تماس با بدن نامحرم است -
- و تفاوت نمی‌کند شرمگاه وارد عمل شوند یا نه.^{۵۶}

استاد فاطمی نیا

به یقینات خود عمل کنید، می‌دانی که غیبت کردن، نگاه به نامحرم کردن حرام است، نکن

بزرگان با انجام همین دستورات به مقامات رسیده‌اند

:آیت الله جاودان

نقل است که، زلیخا به حضرت یوسف گفت: چه چشم‌های زیبایی داری

^{۵۵} الکافی: ج ۲ ص ۸۰ ح ۲ / چشم تماشا: ج ۱ ص ۱۴۴

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۱^{۵۶}

حضرت یوسف فرمود: اول چیزی که در خانه قبر زمین می ریزد و نابود می شود این چشمها است.

از نظر علم و تجربه ثابت شده است که یکی از عوامل اصلی و ناخودآگاه تحریک و ترشح غدد و هورمونهای جنسی، نگاه است. نگاه به نامحرم هر چند اگر بدون قصد تلذذ باشد عمل طبیعی و غریزی خود را انجام می دهد و زمینه تحریک شهوت انسان را در زمان نگاه یا بعد از آن ایجاد می کند. تحریک غریزه جنسی به گونه نامشروع نیز آثار شوم و نکبت بار فراوانی بر ابعاد مختلف انسان و جامعه بشری ایجاد می نماید. اسراف، انحراف و هدر رفتن نیروهای فکری، اجتماعی و معنوی انسان، زمینه سازی سردی روابط خانوادگی (شخصی که نگاه خود را کنترل نمی کند با یک همسر ارضا نمی شود)، حالت حسرت و ناکامی، از دست دادن آرامش روانی، میل به گناه (لواط، زنا، استمناء و...) و بالاخره گرایش به گناهان مختلف از جمله آثار سوء نگاه حرام است که در عرصه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماع ظاهر می گردد. امام علی علیه السلام می فرماید چشم، پیش قراول دل، جلودار فتنه، دام شیطان و نگاه حرام سبب کاشتن بذر شهوت و نهال گناه (زنا و لواط و استمناء و ...) است. [1] نگاه به نامحرم باعث سختی زندگی و زیادی حسرت و افسوس است

:امیرالمومنین علی علیه السلام

«الْعُيُونُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ»

.چشم ها دامهای شیطان است

نگاه را مهار کن تا به گناه نیفتی، امیر نگاهت باش تا اسیر نگاهت نشوی. وقتی لکه های غفلت و گناه، صفحه سفید دل را تیره می سازد و سنگ معصیت، آینه نجابت را می شکنند، باید هوشیار بود حسرت و اندوه طولانی: امام صادق - علیه السلام - می فرماید: چه بسا نگاه هایی که غصه های طولانی را در پی دارد. به این معنی که چشم قوی ترین ابزار حسی است. یعنی میدان آستانه تحریک چشم از بقیه حواس بیشتر است و بیشترین تحریکات حسی را دریافت می کند و این دل

است که بعد از نگاه به کار می افتد یعنی آنچه را دیده ، می بیند ، دل طلب می کند و چون امکان رسیدن به آنچه دیده شده فراهم نمی شود ؛ افسردگی و رنجوری عاید انسان می شود .

نکات قابل توجه:

نکته اول:

مردان در برابر جنس مخالف، ذاتا جست وجوگرند و چشم مهم ترین ابزار جست وجوست. بعضی از افراد به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به این رفتار تمایل دارند جامعه ما این روزها با یک ناهنجاری مواجه است، گرفتار یک ضداخلاق است، با یک معضل دست و پنجه نرم می کند و دست به گریبان است با یک بیماری؛ بیماری مزمنی که برآمده از یک عادت نکوهیده درمان نشده است. سرها، گردن ها، صورت ها و چشم هایی که زاویه و جهت دارند، به سوی جنس مخالف و نگاه هایی عمیق و ژرف که ثابت می مانند به روی دیگران به قصد لذت و حظ. به زبان ساده تر، دوختن نگاه آلوده به نوامیس مردم برای کامجویی بصری. گاه عیار و میزان این چشم چرانی ها و نظریازی ها چنان بالا می رود که فغان اعتراض مردم را هم بلند می کند. حتما دیده اید مردانی را که در مترو، اتوبوس و حتی کوچه و خیابان با معترضانی روبه رو می شوند که شاکی اند از نگاه های ناپاکشان و مطرح کننده یک پرسش تاریخی: مگر خودت خواهر و مادر نداری؟ البته زنانی هم هستند که به چشم چرانی عادت کرده اند و همانند مردان چشم چران، با نگاه لذت حرام می برند!

نکته دوم:

تمام زن های دنیا برای خاموش کردن آتش شهوت یک مرد کافی نیستند. (و البته در مورد زنهای چشم چران و شهوت ران! هم همین مطلب درست است!) و برای همینه مردی که به عرضه چشم چرانی مبتلا شد و هر کدوم از این خانم ها رو که نگاه کرد، یک تصویر ذهنی از اونها در ذهن خودش به وجود آورد و یک نیازی رو توی ذهن خودش ایجاد کرد که: ای کاش این خانم مال من بود، این باعث میشه که اون آتیش شهوتش روشن و روشن تر و بزرگ و بزرگ تر بشه. و چونکه نمی تونه به اون خانم دسترسی پیدا کنه، یک حس حسرت و یک حس خود کم بینی سراغ انسان میاد. چرا؟ چونکه میگه: ای کاش این مال من بود، ولی خب نیست. انگار من یک مشکلی دارم که این خانم مال من نیست. پس چرا این مال من نیست؟ چرا من به اندازه کافی خوب نیستم که این خانم مال من باشه؟ و اون خانم رد میشه و نفر بعدی میاد. و دوباره این ایده

تقویت میشه که حالا این چرا مال من نیست؟ کاش این خانم مال من بود. و این بازی های روانی که شهوت توی ذهن انسان ایجاد می کنه، فردی که به چشم چرانی مبتلا هست رو بسیار بسیار داغون می کنه. کاری که فرد باید بکنه اینه که بیاد پیش خودش بگه: خب اگر حتی همه اینها رو هم فرض کنیم که به فرض محال تموم این خانم ها هم مال من بودن، آیا اتیش شهوت من بازم خاموش میشد؟ باور کنید نمیشد. مگر پادشاهانی نبودن که حرمسراهایی پر از زن داشتن. آیا با داشتن این حرمسراها، هیچوقت اتیش شهوتشون خاموش شد؟ (میگند خسرو پرویز وقتی مرد چهار هزار دختر باکره در حرمسراش بودند!) و یا اینکه بیشتر و بیشتر دیوانه تر میشدن و می گفتن: زن های بیشتری رو اضافه کنید. دقیقاً مثل همون مثالی که بخواید تشنگی رو با آب شور برطرف کنید. دقیقاً همین داستان شهوت و چشم چرانی هست. یعنی اصلاً اون حسرت خیلی مکاره. میاد میگه: کاش این خانم مال تو بود. اگه این خانم مال تو بود، مشکلاتت برطرف میشد و حالت خوب میشد. ولی در صورتی که اینطور نیست. دیگه نمیاد بگه: این خانم و اگر حتی صدها خانم دیگه هم اگر الان در اختیار تو بودن، باز هم حال تو خوب نمیشد. باز هم تو در آتیش شهوت می سوختی. این قسمتش رو نمیاد بگه. بیماری چشم چرانی اینطور میاد با آدم صحبت می کنه. میاد و میگه: فقط ای کاش که تو این خانم رو داشتی. و حالا که این خانم رو نداری و این خانم مال تو نیست، پس چقدر تو زبونی. پس تو چقدر کم ارزشی که اون خانم مال تو نیست. و این گفتگوهای روانی هست که شیطان از طریق عارضه چشم چرانی به فرد تزریق می کنه. و فرد روز به روز در حس حقارت و تنهایی خودش عمیق و عمیق تر میشه. پس اولین کار اینه که ما بیایم و نگرشمون رو عوض کنیم و بدونیم که داشتن یا نداشتن هر کدوم از این خانم ها هیچ فرقی به حال ما نخواهد کرد و حال ما رو خوب نخواهد کرد. فقط پرهیز و کنترل شهوت حال انسان رو خوب می کنه.. این نیست که همش من بگم: اینو نگاه کنم، اونو نگاه کنم. اندام این خانمو نگاه کنم، اندام اون خانمو نگاه کنم و پیام بگم: من با نگاه کردن حالم خوب میشه. پیام بگم: خدا چشم رو برای دیدن داده. در صورتی که خدا چشم رو برای شهوترانی به انسان نداده. خدا چشم رو به انسان داده که ما هر چیزی که درون اون می بینیم، جلوه خداوند بینیم. و هر خانمی که می بینیم یک مخلوق خداوند در نظرش بگیریم. یک موجود الهی. و این کار به این راحتی نیست. پس قدم اول این شد که این جمله رو روزانه هزار بار با خودمون تکرار کنیم: تمام زن های دنیا برای فرونشاندن آتش شهوت یک مرد کافی نیستند. و جا انداختن این تفکر توی مغز انسان واقعا

می دونید چه اثری داره؟ اینکه یک بار بزرگی از نگرانی و تشویش و اضطراب و حسرت از دوش انسان بر زمین گذاشته میشه. و چقدر انرژی ذهنی و انرژی روانی ذخیره میشه. و واقعاً انرژی روانی انسان اینجوری دیگه تخلیه نمیشه. چونکه فردی که دچار عارضه و اعتیاد چشم چرانی هست، دائماً در حال از دست دادن انرژی مغزی و انرژی ذهنیه. توی دانشگاه که میره، به جای اینکه تمرکز روی درس باشه، تمرکز روی نگاه کردن به انواع و اقسام دانشجوهای دیگه هست. تیپ و اندام همه رو بررسی می کنه. کسی این رو به عنوان یک عارضه نگاه نمی کنه. یعنی قبول کردن اینکه چشم چرانی یک بیماری هست، خودش یک پروژه ایه که به فرد ثابت کنه که بابا این یک معضله، این یک بیماریه. یعنی در شاخه بیماری های روانشناسی همونطوری که گفتم: زیر مجموعه بیماری های پارافیلیا هست که تحریک جنسی از طریق غیر طبیعی. من خودم از روزی که این دانش و آگاهی رو پیدا کردم که هر چی آدم کمتر به دیگران نگاه کنه، کمتر انرژی روحانش خالی میشه، شروع کردم به کنترل کردن خودم که زیاد مردم رو نگاه نکنم. چه به خانم ها و چه به آقایون. یادمه یکبار اوایلش بود و خیلی سخته دیگه. چون ما عادت داریم که حداقل اطرافیان خودمون رو توی جامعه که هستیم حداقل یک نگاه بندازیم و ببینیم کی کجاست و... بعد سوار مترو شدم و یک خانمی اومد نشست کنار من. و پیش خودم گفتم: من می خوام که این تمرینو انجام بدم. و اون مسیر مترویی که می خواستم برم، بیست تا بیست و پنج دقیقه توی مترو بود و من تازه این تمرین رو شروع کرده بودم. پیش خودم گفتم: ببینم چطور می تونم؟ آیا می تونم جلوی اون نفسم رو که هی می خواد نگاه کنه بگیرم؟ حالا فرقی نمی کنه خانم بود یا آقا. فقط می خواستم اینو تمرین کنم. حالا به خانم اومد و نشست کنار من. گفتم من سعی می کنم توی این بیست و پنج دقیقه نگاه نکنم که این کیه کنار من نشسته. ببینم اصلاً کیه. که من شناسمش. منظورم اینه که حتی اگر یکی از آشنای خودمم باشه شناسمش، ببینم که شناسم. و نشستم نشستم نشستم و شاید بگم: توی این دو سه دقیقه اول نفس می گفتم: بابا به نگاه بنداز ببین کیه این؟ شاید همکلاسیت باشه. می دونید نفس اینکارو می کنه. و من این کارو نکردم. گذشت گذشت... پنج دقیقه گذشت. کم کم نفس و اون چشم دست و پا شو زد و تقلا کرد که ای بابا به نگاه بنداز. طوری که نیست. به نظر حلاله. و من نگاه نکردم. و وقتی که من نگاه نکردم، پنج دقیقه که گذشت کم کم حواسم به چیز دیگه ای پرت شد و رفتم تو گوشیم و به کم خوابیدم و چشامو بستم. اصلاً کل این داستان یادم رفت. اینکه من می خواستم همچین کاری بکنم، از ذهنم رفت. و

چندین ایستگاه بعد نمی دونم که اون خانم زودتر پیاده شد یا من پیاده شدم، واقعاً متوجه نشدم چه اتفاقی افتاد. و این خاطره برام خیلی خوب بود. چون یادمه که همون شب برای یک از دوستانم تعریف کردم و برای همینه که توی ذهنم مونده. که چقدر تجربه قشنگی بود و الان اون تجربه موند برای من. همین الان هم من هر روز سوار تاکسی میشم، میرم، میام. امکان نداره. خیلی وقته که این اتفاق برای من نیفتاده. که وقتی توی یک ماشین، توی تاکسی، توی این ون ها سوار میشم و یکی میشینه کنارم، امکان نداره که من نگاه کنم بینم این کیه؟ تنها توجیهی که نفس می تونه بیاره اینه: بابا خب شاید آشنا باشه و این بی احترامی باشه که شما نگاه نکنی. ولی این احتمالش یک در میلیونه که شما بری توی خودروی عمومی مثل تاکسی یا مترو یا هر چیزی؛ یکی از آشنای خودت رو بیننی و نگاه نکنی و بی احترامی بشه. و حالا اگر که اون اتفاق هم بیفته و اون فرد هم آشنای خودت باشه، بشینه کنارت خب اون به شما میگه. حالا اون که این تمرین رو نداره! این ترین رو انجام بدید. و باور کنید که امکان داره. وقتی که جلو میرید، هر چه که بیشتر پیش میرید، می بینید که امکان پذیره. و انسان روز به روز قوی و قوی تر میشه؛ تا جایی که این تبدیل میشه به یک عادت. که دیگه اصلاً توی کوچه و خیابون دیگه نگاه نمی کنی کی کنارت نشسته. وقتی که فکرشو می کنی شاید خیلی غیر قابل باور باشه و کسی باور نکنه. ولی اگر روش تمرین کنید مطمئن باشید که موفق میشید. نمونه اش اینه که من این کارو کردم و دارم تجربمو به اشتراک می گذارم. میشه. و بعدش دیگه خیلی راحت و ناخودآگاه این اتفاق می افته. دیگه اگه بخوای نگاه کنی، باید یه تغییری رو در خودت به وجود بیاری بخوای نگاه کنی به اون کسی که بالای سرت نشسته. واقعاً زیباست. واقعاً زیباست درگیر نکردن نگاهمون با هر کسی توی جامعه. و برای تمرین عملی می خواستم تجربه خودم رو بگم. کسانی که از این سطح بگیر تا اونجایی که مبتلا به عارضه چشم چرانی هستن. ما می تونیم این تمرین رو انجام بدیم. و دلیلی که من اصلاً این تمرینو شروع کردم توی مالزی این بود: خیلی خوشم اومده بود از اینکه مردم اونجا به همدیگه نگاه نمی کردن. و تا مدت ها ذهن من درگیر این بود که آخه چرا اینها به همدیگه نگاه نمیکنن؟ مردها به همدیگه نگاه نمی کنن، زن ها به همدیگه نگاه نمی کنن. قبلاً هم گفته بودم. چرا آخه؟ اینها مگه ذهنشون کجاست؟ مگه میشه آدم به اطرافیانش نگاه نکنه و این دغدغه ذهنیم بود تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم و این داستانی که براتون گفتم، اتفاق افتاد. و من می گفتم: توی این مسیری که دارم میرم، هر کسی بشینه کنارم، نگاه نمی کنم که کیه کنارم. و نمی خوام تشخیص

بدم که بینم زنه یا مرده نشسته کنارم. اصلاً دوست ندارم بدونم. و این تمرین جواب داد و تا به امروز برکتش برام مونده. و واقعاً حس خوبیه. تجربش کنید. اگه تجربش کنید، متوجه خواهید شد که چقدر لذتبخشه. پس توی این مقاله در مورد چشم چرانی بیشتر توضیح دادیم و گفتیم: اولین تمرین این هستش که نگرش خودمون رو عوض کنیم و این جمله رو بارها و بارها تکرار کنیم: تمام زن های دنیا برای فرو نشاندن آتش شهوت یک مرد کافی نیستند. و یک نمونه از تجربه خودم گفتم که این اتفاق چطور افتاد و سعی کردم تمرین کردم که یاد بگیرم چطور توی جامعه به کسی نگاه نکنم. به کسی که کنار دستم می شینه نگاه نکنم. به کسی که روبروی من میشینه .نگاه نکنم. و این تجربه برکت های بسیار زیادی رو برای من داشته⁵⁷

نکته سوم:

دوماه پیش به « امام زمان » قول دادم

سلام من دختری بیست سالم نمیدونم از کی کجا ایقدا ایمانم کم شد شاید از وقتی. بود که دیپلم گرفتم دوستی با جنس مخالف شروع کردم اونم واسه تفریح. پارسال تبلت خریدم اینترنت پر سرعتم که بود. نمیدونم چی شد ک یکی از این سایتای لعنتی رسیدم شروع کردم به دیدن این مزخرفات هرچی تنها تر میشدم بیشتر سمتش میرفتم بعد هر بار دیدن ،خودم را سرزنش میکردم که چرا من باید این کارو بکنم. شاید بیست باری گفتم نمیبینم شب قدر انقد گریه کردم از خدا اهل بیت طلب بخشش کردم اما فایده نداشت ماهی ی بارو سراغش میرفتم. تا اینکه دوماه پیش به « امام زمان » قول دادم. باورتون نمیشه هر بار که میخام سراغش برم اول به خودم میگم حواست باشه به امام زمان قول دادی. همین الان شیطان رفته بود تو جلد ک برم سراغ این نجسات اما یکی بهم گفت ب امامت قول دادی ها ادم سرچ کردم بینم گناهایش چیه وقتی نظرات خوندم انگاری اب سرد پاشیدن روی شعله آتیش هم پشیمون شدم همم خوش حال ک امام زمان هنوز منو میبینه کمکم میکنه . واسه ترکش بهتر ب کسی ک خیلی دوشش داری قول بدی سر قولت بمونی همین کافیه باور داشته باش ک میتونی. خدا پای تمام ارزو هات خاسته هاتو امضا کنه

یا علی ،

نکته چهارم:

نوشته شده توسط سعید

سلام

من هم سال ها به دیدن فیلم های پورنو معتاد بودم ، اما الان خدا رو شکر حدود 1 سال هست که به لطف خدا کنار گذاشتم

روش خودم رو هم میگم ، مطمئنم هر کسی به این روش عمل کنه و پایبند باشه حتما موفق
(:میشه)

و به طور خلاصه، باید مانند معتادی که برای ترک، اولین قدم برای او حذف ماده مخدر است ، شما هم راه های دسترسی به این ماده مخدر خطرناک را با حذف فیلترشکن، واتس آپ و ماهواره برای خود ببندید و مطمئن باشید که پس از مدت کوتاهی سختی کشیدن از نداشتن این ابزارها (مانند معتادی که پس از ترک مواد مدتی بدن دردو... میگیرد) ، به زندگی جدید عادت خواهید کرد و دریچه ی جدید از زندگی به دور از شهوات و گناه های اینچنینی به روی شما باز خواهد شد...

برای تمامی شما دوستان از خداوند بزرگ و امام حسین (ع) در این ماه محرم طلب مغفرت و موفقیت در ترک این گناه دارم.
...التماس دعا

نکته پنجم:

خوبه گاهی باخودتان فکر کنید که دیدن این کسافت کاری که اینا میکنند چی بهتون میرسه چشمهای خودتونو حرام نکنید این چشم باید امام زمان ببیند خدا لعنت کند اونایی که این فیلم ها رو درست میکنندیه ذکر هست بهتون میگم انشا... که خدا کمکتون کنه {لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلى الله على محمدواله الطيبين} این ذکر رو روزانه خیلی تکرار کنید خیلی مؤثر

نکته ششم:

نوشته شده توسط نا شناس

سلام خدمت دوستان عزیز

من متأسفانه مدت 20 سال دچار این سوء رفتار (دیدن فیلم مستهجن) بودم یعنی دقیقاً و قتی که به سن بلوغ رسیدم خدا را گواه میگیرم این مطالب را فقط و فقط برای این دارم ابراز میکنم که دوستان جوانتر من ناآگاهانه خودشان را دچار این مرض نکنن و اگر وارد شدن زودتر رهایی پیداکنن در سنین بلوغ بدلیل دیدن این عکسها و نداشتن راهی برای ارضاء دچار خودارضایی شدم. به مرور قوه حافظه ام تحلیل رفت و الان بعضی وقتها فکر میکنم آلتایمر گرفتم. بعد از ازدواج دچار انزال زودرس بودم و نمی توانستم لذت کافی از عمل زناشویی با همسرم ببرم. پاهام بسیار سست و ضعیف شده که کاملاً حس میکنم به این رفتار مربوطه. به مرور تعداد دفعات خودارضایی افزایش پیدا میکنه. در مجموع توصیه من اینه که با توکل به خدا و استغفار خودتون را از شر این کار راحت کنید ضمناً لازمه اش هم پر کار بودن شما و نداشتن وقت بیکاریه چون زود برمیگرده وقتتون را با ورزش پر کنید درخواست درمان چشم چرانی

باسلام من آقایی 28ساله هستم که دوساله ازدواج کردم، ب شدت ب چشم چرانی مبتلا شدم، چندبار سعی کردم ترک کنم ولی نتونستم، خیلی راه کار امتحان کردم از مذهبی بگیرید تا چیزای دیگه ولی موفق نشدم، یا لاقلاً چند روزی بیشتر نتونستم انجام ندنم، خواستم کمکم کنید، تشکر من از تناسب اندام همسرم راضی نیستم، همین دلیلی شده تا به خودم اجازه بدم که چشم چرانی کنم و کار خودمو توجیه کنم ممنون میشم کمکم کنید^{۵۸}

بازم درخواست درمان چشم چرانی من یه مشکلی که دارم اینه که هروقت میریم بیرون باشوهرم خیلی به دخترا و خانما نگاه میکنه و میگه نگاه

مانتوی اون خانمو یا چطور ساپورت پوشیدن یا ارایششونو نگاه کن. خیلی دقت میکنه حتی به رنگ مو کفش، من همش فکر میکنم چقد من ضعف

دارم که اون بقیه رو انقد نگاه میکنن. با این حال خودم از محبت و رابطه ی جنسی براش کم نمیزارم ولی اون همش بقیه رو نگاه میکنه بعضی وقتا یه

دختر از دور میاد میگه نگاه چقد لاغره چی پوشیده موهاشو همش جلو بقیه میخاد جلب توجه کنه. درضمن خیلی به من دروغ میگه با اینکه

بارها باهاش صحبت کردم که هرچی هست بیابه من بگو من دشمنی که نیستم ولی اون دروغ میگه انگار عادت کرده. بعضی وقتا خسته میشم

ازش دلم میخاد کنارش نباشم. درضمن من توشهر شوهرم زندگی میکنم اونجا غریبم جز شوهرم کسیو ندارم. یه بچه 7 ماهه داریم^{۵۹}

نکته هفتم:

علامه طباطبایی می فرماید: از مقابله «یغضوا من ابصارهم» و «یحفظوا فروجهم» در آیه ۳۰ سوره نور به دست می آید که وظیفه هر کسی آن است تا عورت خویش را حفظ کند و آن را از (دیگری بپوشاند تا قابل دیدن و نگاه کردن نباشد).^{۶۰}

امام صادق (ع) درباره این آیه می فرماید: هر چیزی که در قرآن درباره حفظ فرج آمده، مراد (حفظ آن از زنا است مگر در این آیه (نور) که مقصود حفظ آن عورت از نگاه دیگران است).^{۶۱}

نکته هشتم:

^{۵۹} <http://www.hamsaranekhoob.ir/index.php/component/tags/tag/133-2017-04-10-09-22-05>

^{۶۰} المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱

^{۶۱} کافی، ج ۱، ص ۳۵، حدیث ۱

جناب شیخ رجبعلی خیاط ذکر « یا خیر حَبِیب و مَحْبُوب صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ و آلِهِ » را بعد از دیدن نامحرم موثر و کارساز می دانستند و بارها این ذکر را به اطرافیان توصیه می کردند تا از وسوسه شیطان در امان باشند، می گفتند

چشمت به نامحرم می افتد، اگر خوشت نیاید که مریضی! پس اگر خوشت آمد فوراً چشمت را « ببند و سرت را پایین بینداز و بگو: یا خیر حبیب... ؛ یعنی خدایا من تو را می خواهم، اینها چیه، این...ها دوست داشتنی نیستند ، هر چه نپاید، دل بستگی نشاید

نکته نهم:

نعم صارف الشهوات غصّ الابصار؛⁶² چشم پوشی از نگاه بهترین عامل بازداري از « علي(ع) نیز فرمود «.شهوة است

از علی(ع) سؤال شد که چگونه می توان از حرام چشم فرو بست؟ در پاسخ فرمود: «**بِالْخُمُودِ تَحْتَ سُلْطَانِ الْمُطَّلَعِ عَلَي سِتْرِكَ**؛ با اطاعت و فرمان برداری از سلطانی که مطلع بر اعمال مخفی توست⁶³ از بهترین راه های چشم از حرام حاضر و ناظر دانستن ناظر آگاهی است که بر همه اعمال آشکار و نهان ما احاطه دارد و از سر ضمیر، مطلع است و هم اوست که فردای قیامت حسابرسی و حاکم است.

خداوند در قرآن می فرماید: «تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ؛ خدا از خیانت چشم ها آگاه است.»

علی(ع) فرمود: «**إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ إِمْرَأَةً تَعْجِبُهُ فَلَیَاتُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا أَرَى وَ لَا یَجْعَلَنَّ لِلشَّیْطَانِ إِلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا وَ لَیَصْرَفْ بَصَرَهُ عَنْهَا؛** هر گاه یکی از شما زنی را دید که (جمال ...) او شما را به تعجب واداشت (و جذب کرد) پس نزد همسرش آید که همان را در او می یابد و نباید (با نگاه و ادامه آن) برای شیطان بر خود راهی قرار دهد و باید چشم خود را از آن برگرداند.»

⁶² محمدي ري شهري، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج 1، ص 72.
⁶³ میزان الحکمه، همان، ج 10، ص 81، ج 20300 و ترجمه المیزان، ج 13، ص 6326

«فَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةً فَلَیْصِلْ رَكَعَتَيْنِ وَ یَحْمَدُ اللَّهَ کَثِیرًا وَ یُصَلِّیْ عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ ثُمَّ یَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ یَبِیِّحُهُ لَهُ بِرَأْفَتِهِ مَا یَغْنِیْهِ؛ پس اگر همسری برای او نبود دو رکعت نماز گذارد و فراوان خدا را ستایش کند و بر نبی و آلش صلوات بفرستد آن گاه از فضل الهی درخواست کند (که همسری نصیب او نماید) پس خداوند با مهربانی خود چیزی را برای او مباح می کند که بی نیازش کند.»⁶⁴

نکته دهم:

بزرگی می گفت: همسرم به من گفت تو در کوچه و خیابان به ناموس دیگران نگاه و نظر نمی کنی!، گفتم: از کجا می دانی، گفت: چون هیچ گاه نامحرم به من نگاه و نظر نمی کند

در این مورد داستانی است که :

امام صادق - علیه السلام - فرمود: در زمان حضرت موسی - علیه السلام - مردی با زنی زنا کرد وقتی به خانه خویش آمد، مردی را با زن خود دید، آن مرد را نزد حضرت موسی آورد و از او شکایت کرد. در آن لحظه جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و گفت: هر کس به ناموس دیگران تجاوز کند به ناموس اش تجاوز کنند. حضرت موسی به آن دو فرمود: با عفت باشید تا ناموستان محفوظ بماند⁶⁵

نکته یازدهم:

حضرت عیسی (علیه السلام) در باره نگاه می فرمایند:

لَا تَكُونَنَّ حَیْذَ النَّظَرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ فِیْهِ لَنْ یَرُیَ فَرْجُكَ مَا حَفِظْتَ عَیْنُكَ فَإِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تَنْظُرَ إِلَى ثَوْبِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ «^[2]فَأَفْعَلْ

؛ «نباید به چیزی که بر تو روا نیست، خیره نگاه کنی؛ زیرا تا وقتی که چشمت را حفظ کنی هرگز دچار زناکاری نمی شوی و اگر «توانستی به لباس زنی که نامحرم است نگاه نکنی، نگاه نکن»⁶⁶

نکته دوازدهم:

⁶⁴ منتخب میزان الحکمه، ج 1، ص 505، ح 6146.

⁶⁵ فروع کافی، ج 5، ص 553.

⁶⁶ ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج 1، ص 62.

بیان یک داستان

مردی، چهل سال بر فراز مناره مسجدی اذان می گفت. در یکی از روزها وقتی در اذان به جمله حی علی الفلاح رسید، چشمش به دختری مسیحی افتاد که از کنار مسجد عبور می کرد. با این نگاه هوس آلود و شیطانی قلبش مشغول شد و عقل از سرش پرید. اذان را رها کرد و برای خواستگاری دختر به منزلش رفت، دختر گفت اگر بخواهی با من ازدواج کنی، باید از اعتقاد و دینت دست برداری. مرد قبول کرد و از دین اسلام دست برداشت. دختر به او گفت: حال که چنین کردی، پدرم در طبقه پایین خانه است برو و مرا خواستگاری کن. مرد که شیطان بر او تسلط یافته بود، با عجله پلکان را پایین رفت. در راه از بالا به زیر افتاد و مُرد؛ از بهره شیطانی ناکام و از خدا جدا شد⁶⁷

←← حدیثی از رسول اکرم

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: خداوند می فرماید: «ای فرزند آدم ...! و اگر چشمت بخواهد تو را به حرام وادار کند، من پلک‌ها را در اختیار تو قرار داده‌ام؛ پس آن‌ها را فرو بند.»⁶⁸

عاقبت چشم چرانی

ها مؤذن مسجد بود و در بالای مناره مسجد اذان می در شهری سه برادر بودند، که یکی از آن گفت. این برادر، پس از چند سال فوت کرد و برادر دوم مؤذن شد. او هم حدود ده سال به مؤذنی گوئی پرداخت تا این که برادر دوم هم فوت کرد. پس از آن مردم نزد برادرش رفتند تا او به اذان بپردازد اما وی از پذیرفتن اجتناب کرد. اصرار کردند و به او پیشنهاد کردند که پول زیادی به وی بدهند داد ولی باز او از پذیرفتن اجتناب کرد. وقتی با اصرار زیاد مردم روبرو شد به آنان گفت: کنید به من بدهید، باز هم من اذان گفتن را بد نمی دانم ولی اگر صد برابر پولی را که پیشنهاد می نخواهم پذیرفت زیرا این کار باعث شد دو برادر من بی ایمان از دنیا بروند؛ و داستان را این طور نقل کرد: وقتی لحظات آخر عمر برادر بزرگترم رسید، خواستم بر بالینش سوره یس تلاوت کنم

⁶⁷ صدیق عربیان، یوسف، تکالیف گوش و چشم و زبان از دیدگاه اخلاق اسلامی، گیلان، دانشگاه گیلان.
⁶⁸ صدیق عربیان، یوسف، تکالیف گوش و چشم و زبان از دیدگاه اخلاق اسلامی، گیلان، دانشگاه گیلان.

که با اعتراض، فریاد و نهیب او مواجه شدم. او می گفت: قرآن چیست؟ چرا برایم قرآن می خوانی؟

و برادر دومم هم به این صورت در هنگام مرگش به من اعتراض کرد

از خداوند کمک خواستم که علت این امر را برایم روشن گرداند زیرا آنان مؤذن بودند و این کار را از آنان انتظار نمی رفت. یک شب خداوند بر من منت نهاد و در عالم رؤیا برادر بزرگترم را در حال عذاب دیدم، به طرفش رفتم و گفتم: تو را رها نمی کنم تا به من بگوئی چرا بی ایمان از دنیا رفتی. خداوند برای آن که ماجرا را به بفهماند، زبان او را گویا کرد و او گفت: ما هرگاه که بالای مناره مسجد می رفتیم، به خانه های مردم نگاه می کردیم و به محارم مردم چشم می دوختیم و های مسجد، صفحه خلاصه چشم چرانی باعث عذاب ما در آخرت شد... (داستان ها و حکایت ۱۲۶ / به نقل از کتاب ایمان، جلد ۱، ص ۲۰)

نکته سیزدهم:

یکی از مهم ترین برنامه صهیونیست ها علیه مسلمانان، ایجاد فساد بین اقشار مختلف بخصوص

جوانان است. آقای مرداک کسی است که حداقل ۶۰ شبکه تلویزیونی به ۱۳ زبان مختلف از جمله مؤسسه تلویزیونی فاکس و شبکه

معروف فاکس نیوز، ۱۳۰ روزنامه و مجله معتبر مانند دیلی تلگراف، وال استریت ژورنال، تایمز، نیویورک پست، پرتیراژترین مجله انگلستان که یم مجله جنسی و مملو از تصاویر زنان برهنه، عمده ترین سهامدار کمپانی عظیم «نیوزکوپرپرسن» و ... را به راه انداخته است

مقاله ای نوشته که: رابرت مرداک: بدحجابی باید از طریق بازیگران در جامعه ایران تزیق شود: جزییات بیشتر

در مقاله رابرت مرداک آمده است که برای نابودی ایران باید در خصوص کلمه ی مقدسی به نام خانواده هزینه کرد و من قصد دارم تا موضوع مادر را در دستور کار خود قرار دهم و در ایران مادر خانواده همه چیز را مدیریت می کند و اگر مادر را به لجن بکشیم تمام این جامعه به لجن کشیده خواهد شد.^{۶۹}

اری این صهیونیست ها برای از بین بردن قدرت اسلام دنبال اشاعه فساد و بی حجابی و بی عفتی بین مسلمانان هستند.

بعد می بینیم همین یهودیان در چرخشی ۱۸۰درجه، برای مردم خود، حجاب و عفاف و پاکدامنی را تجویز می کنند.

به یک نمونه از اهمیت دادن دشمنان ما به عفاف و پاکدامنی اشاره می کنم:

به گزارش خبرنگار مشرق، کریاس جوئل یک روستای یهودی‌نشین است که اجرای تفکیک جنسی در کلیه اماکن عمومی آن و نیز رعایت شئون اخلاقی و رفتاری الزامی است. این روستا در 80 کیلومتری شمال شهر نیویورک واقع است و شامل قانون اساسی آمریکا نمی‌باشد. به هنگام ورود به این روستا، بر روی تابلوی خیرمقدم آن به بازدیدکنندگان این چنین نوشته شده است:

به کریاس جوئل خوش آمدید

اجتماعی سنتی دارای عفت‌ها و ارزش‌ها

بر اساس سنن و رسوم مذهبی خود، از شما خواهشمندیم تا به هنگام بازدید از اجتماع ما به گونه‌ای عقیف لباس پوشیده و رفتار کنید. این امر شامل موارد زیر می‌شود:

پوشیدن دامن یا شلوار بلند، پوشیده بودن سینه‌ها، پوشیدن لباس‌های آستین‌دار حداقل تا آرنج، استفاده از الفاظ مناسب، رعایت تفکیک جنسیتی در تمام اماکن عمومی.

از احترام شما به ارزش‌های ما سپاسگزاریم و از بازدید خود لذت ببرید!

در این روستا زنان در سنین جوانی ازدواج کرده و برای تربیت فرزندان خود در روستا باقی می‌مانند. ساکنان این روستا به دلیل قوانین مذهبی خود دست به کنترل جمعیت نمی‌زنند. به همین دلیل زاد و ولد در این روستا زیاد بوده و وجود کودکان زیاد، میانگین سنی افراد روستا را به 12 سال کاهش داده است. به طور متوسط تعداد اعضای یک خانواده در این روستا 6 نفر است. از این رو، مادران این خانواده‌ها به خاطر داشتن کودکان خردسال به ندرت خارج از منزل کار می‌کنند. چنانچه اشاره شد ساکنین و بازدیدکنندگان این روستا موظف به رعایت قوانین آن می‌باشند. همانطور که در تصاویر زیر پیداست این بازدیدکنندگان جوان به دلیل عدم رعایت قوانین این روستا، یعنی پوشیدن شلوارک، بازداشت شده و مورد مواخذه قرار گرفته‌اند.

همچنین بر اساس قوانین این روستا، زنان اجازه حضور در محوطه دانشگاه را ندارند: «به دستور هیئت مدیره، زنان مجاز به حضور در محوطه دانشگاه نیستند.»^{۷۰}

نکته چهاردهم:

اولین قدم انحرافات

اولین گام انحراف عملی: چشم چرانی و نگاه به نامحرم، گذرگاه ورود به منجلاب انحرافات و فساد جنسی است.

نگاه های آلوده، تخم شهوت را در دل بارور ساخته، صاحبش را به فتنه، انحراف و گناه مبتلا می کند.

حضرت امام صادق - علیه السلام - فرمود: چشم چرانی، تخم شهوت را در دل می کارد و چنین کاری برای نگاه کننده کافی است که منشأ فتنه گردد.

نگاه کردن به ناموس دیگران، خواست شیطان است. چشمی که تیرهای آلوده نگاه را به نامحرمان پرتاب می کند، محل کمین شیطان است. شیطان از کمان چشم های او ناموس دیگران را نشانه می گیرد.

"النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرِعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنًا" [71].

⁷⁰ <https://www.mashreghnews.ir/news/62194>

⁷¹ روضة المتقين، ج ۹، ص ۴۳۴

بخش سوم: رعایت محرم و نامحرم

اسلام عزیز مرزهایی را برای زن و مرد بعنوان محرم و نامحرم معین کرده است که رعایت آنها نقش مهمی در کنترل شهوت دارد.

محارم کسانی هستند که می توانند بدون حجاب در مقابل انسان ظاهر شوند و نگاه بدون شهوت به آنها مجاز است برخلاف نامحرمان که نمی توانند بدون حجاب ظاهر شوند و نگاه ما به آنان بغیر از صورت و دستها تا میچ، جایز نیست.

• محرم بودن و نامحرم بودن را با دو اثر می توان شناخت

• اثر اول: انسان نمی تواند با محارم ازدواج کند، اما با هر نامحرمی می تواند ازدواج کند

• اثر دوم: مرد نمی تواند بیش از گردی صورت و دستها تا میچ را از نامحرمان زن ببیند، اما می تواند به موها و قسمت محدودی از پاها و دستها و بدن محارم که معمولاً در میان محارم پوشانده نمی شود، نگاه کند

• نکته: این دو اثر همیشه جاری است مگر در مورد خواهر زن، که در عین اینکه نامحرم است، نمی توان قبل از طلاق یا وفات و پایان دوران عدّه طلاق یا وفات خواهرش با او ازدواج کرد

• برای اینکه با محارم آشنا شویم ابتدا محارم نسبی (خونی) و سپس محارم سببی (به واسطه ازدواج) و در نهایت محارم رضاعی (به واسطه شیر خوردن) ذکر می شود

محارم نسبى (خونى) *

محارم نسبت به مردان -

مادر، مادر بزرگ پدری و مادری هر چه بالاتر روند

دختر خود انسان و دختر پسر یا دختر دختر انسان (نوه‌ها و نتیجه‌ها هر چه پایین‌تر روند)

خواهر یعنی دختری که مادر او یا پدر او یا هر دوی آنان با مرد مزبور یکی باشد.

اولاد و نوه‌ها و نتیجه‌های خواهر هر چه پایین‌تر روند.

اولاد و نوه‌ها و نتیجه‌های برادر هر چه پایین‌تر روند .

عمّه خود شخص و عمّه پدر و مادر و نیز عمّه مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها (دختر عمّه و اولاد او محرم نیستند)

خاله خود شخص و خاله پدر و مادر و نیز خاله مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها (دختر خاله و اولاد او محرم نیستند)

نکته: عمه‌ی عمّه و خاله‌ی خاله اگر عمّه یا خاله پدر یا مادر انسان هم باشند محرمند و الا محرم نیستند

محارم نسبت به زنان -

پدر و پدر بزرگ پدری و مادری هر چه بالاتر روند

پسر خود انسان و پسر پسر یا پسر دختر انسان (نوه‌ها و نتیجه‌ها هر چه پایین‌تر روند)

• برادر؛ یعنی هر مردی که پدر او یا مادر او یا هر دوی آنان با دختر مزبور یکی باشد

• اولاد و نوه‌ها و نتیجه‌های برادر هر چه پایین‌تر روند

• اولاد و نوه‌ها و نتیجه‌های خواهر هر چه پایین‌تر روند

عموی خود شخص و عموی پدر و مادر و نیز عموی مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها (پسر عمو و اولاد او مَحْرَم نیستند)

دایی خود شخص و دایی پدر و مادر و نیز دایی مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها (پسر دایی و اولاد او مَحْرَم نیستند)

نکته: دایی دایی و عموی عمو اگر دایی یا عموی پدر یا مادر انسان هم باشند مَحْرَمند و الا مَحْرَم نیستند

محارم سببی *

محارم سببی کسانی هستند که به واسطه عقد ازدواج صحیح دائم یا موقت به یکدیگر محرم می‌شوند. چنانکه معلوم است هیچ فرقی از جهت ایجاد محرمیت بین ازدواج دائم و موقت، وجود ندارد.

محارم سببی نسبت به مردان -

به محض جاری شدن صیغه عقد ازدواج دائم یا موقت، مادر و مادر بزرگ‌های عروس هر چه بالاتر روند، نسبت به داماد مَحْرَم ابدی می‌شوند. یعنی حتی بعد از مرگ یا طلاق عروس هم مَحْرَم باقی می‌مانند.

اگر مرد با زنی ازدواج کند که از شوهر سابق خود دختر دارد، با صرف عقد کردن، این دختر بر

شوهر دوم مَحْرَم نمی‌شود، بلکه محرمیت بین این دختر و شوهر دوم مادرش، بعد از وقوع نزدیکی بین آن زن و شوهر حاصل می‌شود

محارم سببی نسبت به زنان -

بعد از جاری شدن صیغه عقد ازدواج دائم یا موقت، پدر شوهر و پدر بزرگ‌های شوهر هر چه بالاتر روند برای همیشه به عروس محرم می‌شوند؛ یعنی حتی بعد از مرگ شوهر یا طلاق گرفتن عروس، این محرمیت باقی می‌ماند

اگر زن با مردی ازدواج کند که از زن سابق خود پسر دارد، به محض اجرای صیغه عقد دائم یا موقت، محرمیت ابدی بین زن بابا و پسر حاصل می‌شود و نیازی به وقوع نزدیکی نیست

نکته: با توجه به آنچه گفته شد، برادر شوهر برای عروس و خواهر زن برای داماد، محرم نیستند و باید حدود نامحرمی بین آنان رعایت شود

محارم رضاعی (به واسطه شیر خوردن)*

اگر زنی که از ولادت فرزند شرعی خود شیر پیدا کرده، با رعایت شرایط مخصوصی که در نوشتاری جداگانه توضیح داده خواهد شد، بچه‌ای را شیر کامل دهد، محرمیت‌هایی بین آن بچه و اشخاص دیگر حاصل می‌شود که آن‌ها را بیان می‌کنیم

هرگاه زنی کودک را با شرایط کامل شیر دهد، آن زن به حکم مادر او و مَحْرَم است و آن مرد که شیر این زن مربوط به بچه‌های اوست، به حکم پدر او و مَحْرَم اوست

پدر آن مرد به حکم پدر بزرگ پدری و مادرش به حکم مادر بزرگ پدری و برادر مرد به حکم عمو و خواهرش عمه او و در نتیجه مَحْرَم هستند. فرزندان مرد هم برادر و خواهر او (شیر خورده) محسوب می‌شوند، همچنین پدر آن زن که بچه را شیر داده به حکم پدر بزرگ مادری و مادرش مادر بزرگ مادری و برادرش دایی و خواهرش خاله رضاعی آن بچه می‌شوند؛ همچنین دختری را

که زنی شیر داده بر شوهر همان زن حرام است (به شرط این که با آن زن نزدیکی کرده باشد).
همچنین انسان نمی تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند زیرا به حکم مادر زن او است

همچنین بچه های زنی که شیر می دهد به شیر خورده محرم می شوند، چه الآن موجود باشند یا بعداً
به دنیا بیایند

فرزندان زنی که بچه ای شیر دهد، فرزندان پدر بچه شیر خورده محسوب می شوند، بنابراین پدر آن
بچه (شیر خورده) نمی تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده اند ازدواج کند

اگر انسان با زنی که دختری را شیر کامل داده ازدواج کند و با آن زن نزدیکی نماید، دیگر
نمی تواند با آن دختر ازدواج کند

اگر انسان با دختری ازدواج کند، دیگر نمی تواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده ازدواج
نماید

انسان نمی تواند با دختری که مادر یا مادر بزرگ انسان او را شیر کامل داده ازدواج کند؛ و نیز اگر
زن پدر انسان از شیر مربوط به پدر او دختری را شیر داده باشد، انسان نمی تواند با آن دختر ازدواج
نماید

بیان قاعده کلی *

در واقع شیر دادن به یک نوزاد با رعایت همه شرایط باعث می شود که فقط بچه شیر خورده (نه
فامیل های او) مثل بچه واقعی آن زن به همه کسانی که بچه واقعی او محرم هستند، محرم باشد؛
(البته در این میان استثنای هم وجود دارد که گفته خواهد شد) به دیگر سخن هیچ فرقی از لحاظ
محرم و نامحرم بودن بین بچه های واقعی و رضاعی (شیر خورده) یک زن وجود ندارد. (مگر
موارد خاص، که گفته خواهد شد)

موارد استثنا شده و خاص از محرمیت در شیرخواره *

1. اگر زنی بچه‌ای را با شرایط شرعی شیر دهد، شوهر آن زن که صاحب شیر است به خواهرهای آن بچه محرم نمی‌شود؛ همچنین خویشان شوهر به خواهر و برادر آن بچه و سایر فامیل‌های آن بچه محرم نمی‌شوند.

2. اگر زنی بچه‌ای را شیر دهد، به برادرهای آن بچه محرم نمی‌شود؛ و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه‌ای که شیر خورده محرم نمی‌شوند.

می‌توان گفت که محرمیت‌های گفته شده در بالا فقط بین همین بچه‌ی شیر خورده و افراد گفته شده در بالا ایجاد می‌شود و ربطی به دیگر خواهرها و برادرها و فامیل‌های آن بچه ندارد و بین (خواهرها و برادرها و فامیل‌های آن بچه و افراد گفته شده هیچ محرمیتی حاصل نمی‌شود).

نکته بسیار مهم *

در برخی از موارد شیر دادن به برخی از بچه‌ها باعث محرم شدن زن و شوهر به هم می‌شوند و آن زن و شوهر باید از هم جدا شوند؛ به همین علت این موارد را ذکر می‌کنیم تا این مشکل (که هیچ راه حل ندارد) برای کسی پیش نیاید.

الف: اگر زنی بچه‌ی دختر خود را شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود و زن و شوهر باید از هم جدا شوند، نه به این معنا که باید از هم طلاق بگیرند بلکه به این معنا که دیگر نمی‌توانند زندگی مشترک زناشویی داشته باشند.

همچنین اگر مادر عروس، بچه‌ای را که شوهر آن عروس از زن دیگرش دارد شیر دهد آن زن و شوهر به هم محرم می‌شوند و باید به زندگی زناشویی خود پایان دهند. (ولی اگر زنی بچه پسر خود را شیر دهد، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی‌شود).

ب: اگر زن پدر دختری، بچه شوهر آن دختر یا بچه آن دختر را از شیر مربوط به آن پدر شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود، چه بچه از همان دختر یا از زن دیگر شوهر او باشد.

مثلاً اگر دختری به نام فاطمه با مردی به نام هاشم ازدواج کند و هاشم از فاطمه یا زن دیگر یا زن قبلی خود فرزندی به نام حسین یا زینب داشته باشد و زن پدر فاطمه یعنی مادرخوانده فاطمه حسین یا زینب را شیر دهد، فاطمه و هاشم باید به زندگی زناشویی خود پایان دهند و بدون طلاق از هم جدا شوند.

چنانچه گفته شد در این موارد لازم نیست از هم طلاق بگیرند بلکه زن و شوهری آنان تا ابد حرام است و دیگر نمی توانند مانند زن و شوهرهای دیگر با هم زندگی کنند، به این معنی که نزدیکی آنها در حکم زنا با محارم است.

ارث و صله رحم در میان فامیل‌های رضاعی (ایجاد شده با شیر خوردن)*

کسانی که به واسطه شیر خوردن، خویشی پیدا می کنند مستحب است یکدیگر را احترام نمایند، ولی از یکدیگر ارث نمی برند و حق‌های خویشی که انسان با خویشان خود دارد مثل صله رحم برای آنان واجب نیست.

نکات قابل تأمل*

1. اگر هنگام ازدواج دختر و پسر، شبهه‌ای در مورد محرمیت آنان با شیر خوردن وجود داشته باشد، قبل از عقد باید حل شود تا خدای نکرده به علت بی احتیاطی دو نفر محرم با هم ازدواج نکنند.
2. مستحب است زن‌ها هر بچه‌ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش شود که به چه کسانی شیر داده‌اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج نمایند^{۷۲}

بنابراین گرفتن دوست پسر و دوست دختر حرام و از گناهان بزرگ است. زیر دوست دختر و دوست پسر جزو محارم نیستند و اگر هم باشند نمی توان از انها لذت جنسی برد!

همچنین در دوران نامزدی اگر عقد ازدواج یا صیغه محرمیت خوانده نشود باز دختر و پسر بهم نامحرمند و نمی توانند به هم دست بزنند یا رابطه عاشقانه و جنسی برقرار نمایند!

دوست دختر نگیرید

سوره ۵: المائدة - جزء ۶

الْيَوْمَ أَحْلَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ
وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْهُنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا
آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ
فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.

دوست پسر نداشته باشید

سوره ۴: النساء - جزء ۵

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْهُنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ
فَتَيَاتِكُمُ الْهُنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَاَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ
وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا

أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و هر کس از شما از نظر مالی نمی تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناتر است [همه] از یکدیگرید پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار و دوست گیران پنهانی نباشند پس چون به ازدواج [شما] درآمدند اگر مرتکب فحشا شدند پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد و صبر کردن برای شما بهتر است و خداوند آمرزنده مهربان است.

اختلاط با نامحرم باعث اینهمه فساد!

راستی راه درمان این همه فساد و ابتذال و ناهنجاری و ولنگاری که در اجتماع ما مشاهده می شود، چیست؟

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در کلامی حکیمانه و برخاسته از منطق وحی، فرمودند: **بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمَعَانِيَةُ وَاللِّقَاءُ كَانِ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ**⁷³

بین مردان و زنان (نامحرم) فاصله و جدایی بیندازید (تا کمتر با یکدیگر برخورد داشته باشند) زیرا هنگامی که مردان و زنان با هم تماس داشته باشند و رو در رو باشند. یکدیگر قرار گیرند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت.

انسان وقتی به خاطر خدا از لذت های زود گذر چشم می پوشد و شهوت خود را مهار می کند ، خداوند در عوض برایش خوشی ها و لذت های کامل تری را نصیب می گرداند

حضرت علی علیه السلام :

اختلاط و گفتگو مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد، و دل ها را منحرف می سازد.

خلوت با نامحرم عامل گناه

مؤمن نباید با نامحرم در جای خلوت اجتماع کند، چرا که دور از چشم مردم، زمینه لغزش و انحراف فراوان است .

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود : آن که به خدا و روز جزا ایمان دارد نباید در جای خوابد که صدای نفس زن نامحرم شنیده می شود . **مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتُ فِي مَوْضِعٍ تَسْمَعُ نَفْسُ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ**⁷⁴ اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد در حالی که دیگری هم نتواند وارد شود چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آنجا بیرون بروند⁷⁵ .

امیرمؤمنان علی - علیه السلام - فرمود : هیچ مردی با زنی (نامحرم) خلوت نکند. اگر مردی با زن بیگانه ای خلوت کند، سوّمی آن دو شیطان است . **لَا يَخْلُوا بِامْرَأَةٍ رَجُلٌ، فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا**⁷⁶

امیر مؤمنان علی - علیه السلام - برای گریز از خطر آلوده شدن و رهایی از دام شیطان هنگام رو به

⁷⁴ - بحارالانوار، ج 101، ص 50.

رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله 2452.

⁷⁵

⁷⁶ - مستدرک الوسائل، ج 14، ص 265.

رو شدن با نامحرم، این گونه رهنمود می دهد :

اگر یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد، چشم از او برداشته، نزد همسر خود رود که آنچه او دیده است، همسرش نیز دارد و مواظب باشد که شیطان را بر دل خویش راه ندهد و آن که متأهل نیست، دو رکعت نماز بخواند و خدا را زیاد سپاس گوید و صلوات بر پیامبر و خاندانش فرستد، آنگاه از فضل خدا بخواهد و خدا نیز با رحمت خویش او را از راه مباح بی نیاز می گرداند⁷⁷

نجات از افتادن در پرتگاه گناه

دختری 19 ساله هستم. پیش از آن که گرفتار دام شیطان شوم، خواندن سرگذشت دختران و پسران فریب خورده، بسیار مرا ناراحت می کرد و نسبت به آنها احساس ترحم می کردم؛ و آنها را افرادی لایق نصیحت می دانستم.

در تمام دوران تحصیلم هیچ نقطه ضعیفی از نظر مسایل اخلاقی نداشتم. از داشتن دوست پسر و کارهایی از این گونه، اصلاً خوشم نمی آمد؛ و همیشه سعی می کردم دوستانم را که زمینه چنین انحرافات داشتند، راهنمایی نمایم. اما گرفتار بلایی شدم؛ و فهمیدم همه کسانی که دچار انحراف و اشتباه شده اند، ذاتاً بی بند و بار نبوده اند؛ بلکه اغلب آنها هم مثل من، بیش از حد به خودشان اطمینان داشته اند- و اتفاقاً از همین نقطه ضعف بزرگ، ضربه خورده اند.

ماجرای آن وقتی شروع شد که دیپلم گرفتم، و در کنکور دانشگاه قبول نشدم. تصمیم گرفتم شغلی پیدا کنم. خانواده ام با این امر موافقت کردند؛ تنها مادرم به خاطر دغدغه هایی که نسبت به محیط کار آینده من داشت، با اشتغال من موافق نبود و می گفت: «دخترم! کار را می خواهی چه کار؟ بنشین درس بخوان و سال دیگر در کنکور شرکت کن، الان وضع طوری نیست که یک دختر جوان بتواند در هر محیطی کار کند.» ولی من به خاطر اعتماد بیش از اندازه به خودم،

⁷⁷ تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 586.

تصمیم گرفتم حتماً شغلی پیدا کنم - تا به اصطلاح، متکی به خودم باشم و در آینده روی پای خودم بایستم. از آن زمان در جستجوی کار برآمدم؛ بالاخره روزی در صفحه آگهی روزنامه ای، چشمم به یک آگهی افتاد. تماس گرفتم؛ قرار شد برای مذاکره به محل شرکت بروم. برغم نصیحت‌های مادرم که سعی می کرد مرا از این کار باز دارد، رفتم. چون حقوق خوبی می دادند، پیگیری کردم و پس از مدت کوتاهی مشغول کار شدم.

چند روز بعد، اسامی دانشگاه آزاد اعلام شد و من قبول شده بودم؛ قبولی دانشگاه فرصتی به مادرم داد تا بار دیگر خطراتی را که در محیط کار مردانه می تواند در کمین یک دختر جوان باشد، به من گوشزد نماید. ولی من استقلال و حضور در اجتماع را برای یک دختر، مساوی با داشتن شغل می دانستم؛ و از طرفی مطمئن بودم که قادر هستم روابط اجتماعی خود را با دیگران به گونه ای سالم، تنظیم کنم. به نصایح مادرم توجه نکردم و به محل کار خود رفتم - تا وارد دنیای جدیدی که به استقبال آمده بود، شوم.

پس از مشغول شدن به کار، سعی کردم مواظب برخوردها و رفتارهای دیگران نسبت به خودم باشم. در این میان، یکی از همکارانم که جوانی همسن و سال خودم بود و در شرکت او را «آقا فرشاد» صدا می زدند، هر از چند گاهی سعی می کرد به شکلی سر صحبت را با من باز کند. در ابتدا، به سردی با او برخورد می کردم؛ ولی بعدها که مقداری رویم باز شد، به سئوالات او کامل تر جواب می دادم. کار به جایی رسید که راجع به محل زندگی، موقعیت و وضعیت خانوادگی، اسم کوچک، تحصیلات و سایر اطلاعات شخصی ام پرسش کرد؛ و من هم ناخواسته جواب می دادم.

کم کم احساس کردم فرشاد همه افکار مرا به خود مشغول کرده است. شبها به سخنانی که بین ما رد و بدل شده بود، می اندیشیدم و از این که در برخی صحبتها پا را از حد معمول فراتر گذاشته بودم، خود را سرزنش می کردم.

در آن زمان، یکی از همکارانم که به او «زیباخانم» می گفتند، و دارای شوهر و فرزند بود، به شکلهای مختلف به من نزدیک شد و شروع به صحبت می کرد؛ و در بیشتر صحبت‌هایش، بدون این که دلیل خاصی عنوان کند، راجع به «فرشاد» حرف می زد - و از منش و اخلاق و صفات نیک او

سخن می گفت.

رفته رفته احساس کردم فرشاد در دلم جا باز کرده و هر چه می خواستم فکرم را متوجه او نکنم، نمی توانستم یا کمتر موفق می شدم. او هم هر چه پیش می رفت، خودش را بیشتر به من نزدیک می کرد. دیگر شوخی های لفظی بین ما امری طبیعی شده بود. روزی نبود که چیزی برای خوردن همراه خود به شرکت نیارود؛ و همیشه هم مرا دعوت می کرد تا با او همراه شوم. من هم که دیگر به دوستی با او بی میل نبودم، می پذیرفتم. ولی شبها که به محاسبه می نشستم، خود را ملامت می کردم؛ و می دانستم که رفتن به سمت او، خواست شیطان است - ولی دلم آلت دست شیطان گشته بود. و در این بین، زیباخانم هم مرتب با الفاظ شیطانی، آتش بیار معرکه عشق دروغین ما بود. یک روز، زیباخانم به من پیشنهاد کرد که برای خرید بیرون برویم؛ من هم به شرط پذیرفتن مادرم، قبول کردم. مادرم وقتی فهمید وی، شوهر و فرزندان دار است، جای نگرانی ندید و پذیرفت. فردای آن روز وقتی به شرکت رسیدم، مستقیم پیش زیباخانم رفتم و گفتم: امروز آماده ام تا با هم به بازار برویم. اما او با بهانه کردن گرفتاری زیاد کاری، به من پیشنهاد کرد با فرشاد بیرون بروم - و گفت: این مساله را با فرشاد در میان گذاشتم، او هم پذیرفت! من اول جا خوردم و رنگ پرید؛ ولی زود به خودم مسلط شدم. زیباخانم هم شروع کرد به تعریف لذتهای تفریح و گردش با یک دوست پسر، آن قدر گفت تا بالاخره راضی شدم!

ساعتی بعد، من و فرشاد در پشت میز رستورانی، گل می گفتیم و گل می شنیدیم. حالا دیگر من به تمام معنا دوست دختر یک پسر شده بودم - که به جز نام و نام خانوادگی، هیچ چیز از او نمی دانستم. غذایمان تمام شد. اما یک دفعه هوا بارانی شد و باران شروع به باریدن کرد. گویی تمام حوادث دست به دست هم داده بودند که من تا مرز سقوط پیش روم. فرشاد از فرصت استفاده کرده گفت: بهتر است در این هوای بارانی، به منزلشان که در همان نزدیکی بود، برویم؛ تا باران بند بیاید. ابتدا زیر بار نرفتم؛ ولی طبق معمول، شیطان وسوسه ام کرد و با این توجیه که رفتن به خانه آنها از ماندن در زیر باران بهتر است، پذیرفتم.

وقتی به خانه شان رسیدیم، متوجه شدم هیچ کس در منزل نیست. خیلی ترسیدم، به فرشاد گفتم: باید زودتر به خانه بروم، چون به مادرم گفتم زود بر می گردم. او وحشت زدگی مرا از چهره ام

دریافته بود، مرا آرام نمود و قول داد به محض بند آمدن باران، خودش مرا تا نزدیکی منزلمان می‌رساند. بعد هم شروع به پذیرایی کرد.

پس از چند دقیقه، به یکی از اتاقها رفت. من در این فاصله کوتاه، ناگهان به خود آمدم و خود را نهیب زدم؛ که تو در یک خانه خلوت، با یک جوان غریبه چه می‌کنی؟ در همین فکر بودم که یک دفعه دیدم مشتی مجله جلوی من روی زمین ریخته شد. از روی جلدشان حدس زد که محتوی چیست، عکس‌های مستهجن روی جلد، از عکسهای مبتذل تر درون آن خبر می‌داد. با حالتی نگران، سرم را بالا آوردم و به صورت فرشاد نگاه کردم. لبخندی - که شیطان در پس آن نهان شده بود - بر گونه‌های فرشاد نقش بست. با همان حالت شیطنت آمیز گفت: تا تو نگاهی به اینها بیندازی، من هم قهوه درست می‌کنم.

ترس و اضطراب همه وجودم را لبریز کرد، دیگر یک لحظه هم نمی‌توانستم آن محیط سنگین را تحمل کنم. با روی گشاده به پیشنهاد او پاسخ مثبت دادم؛ تا با خیال راحت به کارش بپردازد. به محض این که او به آشپزخانه رفت تا قهوه درست کند، فوری از خانه بیروم رفتم و خودم را به خیابان رساندم؛ و خوشحال بودم که از یک دام شیطانی گریخته‌ام.

آن شب حالم بد شد. مادرم چون از قبل نگران من بود، سعی کرد بفهمد چه اتفاقی افتاده است. ولی چون تب داشتم، متقاعد شد که بیماری من منشا جسمی دارد و اتفاق خاصی روی نداده است. تا نیمه‌های شب، بیدار بودم و خوابم نمی‌برد و دایم در فکر آن اتفاق بودم. صبح، دیروقت از خواب بیدار شدم. دیگر دلم نمی‌خواست به آن شرکت لعنتی برگردم. بنابراین بیماریم را بهانه کردم و چند روز در خانه ماندم.

پس از گذشت چند روز، برای تسویه حساب به شرکت رفتم؛ دلم می‌خواست چشمم به چشم آن زیبانام زشت باطن و آن جوان نامرد نیفتد راستش از دیدن آنها هراس داشتم. خوشبختانه وقتی وارد شرکت شدم، آنها نبودند. هنگام خروج، از نگهبان شرکت، سراغ آنها را گرفتم. گفت: پیش از ظهر، به فاصله چند دقیقه از همدیگر، از شرکت خارج شدند. با توجه به شنیده‌ها، حدس زدم چه برنامه‌ای باید باشد. پس به طرف همان رستوران لعنتی، به راه افتادم وقتی به آنجا رسیدم، از پشت باجه تلفنی که جلوی رستوران بود، تمام فضای رستوران را از زیر نگاهم گذراندم. پشت

همان میز. فرشاد و زیباخانم روبروی هم نشسته بودند؛ صدای خنده شان به بیرون نمی رسید، ولی نیش هایشان تا بناگوش باز بود.

در راه بازگشت به خانه با خود می اندیشیدم که چه شد در این ورطه هولناک انحراف افتادم؟ آیا بی توجهی به نصیحتها و تذکرات بزرگترها و بخصوص والدین منشا این سقوط بود؟ آیا اطمینان و اعتماد بیش از حد به خودم بود؟ آیا عدم شناخت کافی از محیط های کاری بود؟ آیا ظاهربینی و اعتماد به ظاهر آراسته و موقر زشت سیرتان آلوده اجتماع بود؟

همه این عوامل دست به دست هم دادند و مرا تا مروز سقوط بردند، ولی خداوند مرا حفظ کرد. پاسخ به این سؤال که به پاس کدام فضیلت، خداوند رحیم مرا از آستانه ورود به یک رسوایی بزرگ نجات داد، اندکی سخت بود با کمی تأمل دریافتم که چشمان همیشه نگران مادر و دعاهای یر او، باران رحمت خداوندی را بر من نازل کرد تا پیوسته شکرگزار نعمت بزرگی چون مادر و کانون پرمحبتی مانند محیط امن خانه و خانواده باشم.

آری، دوستان من! شما که می خواهید عفیف و پاک زندگی کنید، هوشیار باشید. اهریمنان و شیطان صفتان آلوده، در این دنیای وانفسا، همه جا در کمین عفت و پاکدامنی شما نشسته اند، تا با اندک غفلتی هستی تان را تباه کنند، و برای همیشه لکه ننگی بر دامن شما بگذارند.

کنترل صدا و گفتار

یکی از محرک های جنسی نزد مردان، صدای محرک زنان می باشد. اسلام با توجه به جذبه های خاص زنان در این زمینه، از آنان خواسته است در مقابل مردان نامحرم صدای خویش را نازک و رقیق ننموده، محترمانه صحبت نمایند.

(78) « فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا... »

به ناز سخن نگویید تا آن که در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید

در شرع مقدس اسلام شنیدن صدای زن، حرام نشده بلکه آنچه حرام شده است، نازک کردن صدا و با عشوه صحبت کردن زنان است که باعث تحریک مردان شود و هم چنین سخنانی که دارای مضمون محرک باشد، لذا برای حفظ عفت و پاک دامن زنی و عدم ایجاد ریه و لذت در مرد، کاستن سخن بین دو نامحرم توصیه شده است

وَنَهَى أَنْ يَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحَرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ... (79) لَهَا مِنْهُ؛

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی [مکروه] فرموده که زن نزد مردی که شوهر یا محرم او نباشد، بیش از پنج کلمه در موردی که ناچار است سخن بگوید

صحبت دو نامحرم بدون این که خودشان متوجه باشند، کم کم در وجود طرفین ایجاد تمایل و جذب می نماید. به همین دلیل هم صحبتی مرد و زن نامحرم از کمین گاه های شیطان شمرده شده است (80) و دستورهای اسلام که مبتنی بر از بین بردن هرگونه فساد است، سعی در مهار و کنترل زمینه های اولی می باشد

وسایل ارتباطی پیشرفته امروزی کنترل این موارد را بسی سخت و دشوار ساخته است؛ هرچند خود این ابزار به خودی خود مزایایی را در بردارد، ولی زمینه ی فساد برخی را فراهم می آورد یکی از خطراتی که افراد را در جامعه امروزی از این طریق تهدید می نماید، وسایل ارتباطی

78 احزاب، آیه ۳۲.

79 شیخ صدوق، همان، ص ۶.

80 میرزا حسین النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۳

پیشرفته از قبیل تلفن، موبایل، اینترنت (چت کردن و...) می باشد، که گاه به طور شدید مورد
(⁸¹) غفلت خانواده ها واقع می گردد

برخی به گمان امنیت محیط خانه و اعتماد به جوان و غفلت از وسایل فریبده ی امروزی دچار
مشکلات فراوانی می گردند. چه بسا دخترانی که از طریق مزاحم های تلفنی کارشان به رسوایی
انجامیده (⁸²) و افرادی که از طریق ارتباطات ماهواره ای و اینترنتی (از قبیل تصویرپرداز
کامپیوتری) (⁸³) دامانشان به فحشا آلوده شده است

دین مبین اسلام برای پرهیز از مبتلا شدن به چنین عواقب وخیمی صحبت با نامحرم را در غیر
ضرورت منع نموده و در صورت ضرورت نیز به حداقل صحبت، آن هم به شرط آلوده نشدن به
گناه و یا احتمال لذت، محدود نموده است، (⁸⁴) لذا جوانان در محیط جامعه و دانشگاه باید از
(⁸⁵) حریم دل خود محافظت نموده، از گفت و گوهای احساسی و غیر ضروری پرهیز نمایند

ابوبصیر می گوید: به زنی درس روخوانی قرآن می دادم، کمی با او شوخی کردم. وقتی خدمت
امام باقر علیه السلام رسیدم، به من فرمود: چه چیزی به زن گفتی؟ رنگم پرید و خجالت کشیدم.
(⁸⁶) بعد فرمود: دیگر به طرف آن زن نرو و به او درس مده

خداوند برای برحذر داشتن از پیش آمد چنین حوادثی به عذاب های سنگین تهدید نموده تا هم
چون بازدارنده ای قوی از چنین رخدادهایی پیش گیری نماید

⁸¹ لیل طاهر، «نگاهی به پدیده دوستیابی اینترنتی»، ضمیمه جام جم، ص ۱۲، مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۹

⁸² حمود اکبری، برای ریحانه، ص ۴۴-۴۵.

⁸³ وب گم webcam :

⁸⁴ سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص ۱۰۳-۱۰۹.

⁸⁵ دانشگاه و کلاس های مختلط»، کیهان، ص ۱۰، مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۵.

⁸⁶ وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۸، حدیث ۲۵۴۱۹

بیان هر کلمه که انسان را به شهوت رانی سوق دهد، همراه با هزار سال توقف در جهنم خواهد بود،^(۸۷) چرا که تباه شدن دنیا و آخرت را با هم به همراه دارد

توجه به این مطالب، بیان شیوای مولا علی علیه السلام را به ذهن تداعی می کند: « خصلت های نیک زنان، خصلت های بد مردان است: تکبر و ترس و بخل ». ^(۸۸) تکبر یعنی در مقابل نامحرم با قاطعیت و وقار صحبت کنند و از حرف زدن با عشو و تبسم که دیگران را تحریک می کند، پرهیز نمایند. ترس بدین معنا که از تنها بودن با نامحرم پرهیز نموده و از آنچه موجب بدنامی خود و خانواده شان می شود، دوری نمایند. بخل یعنی در حفظ اموال همسر و سواس به خرج داده و قانع باشند.

نگه داری اصل حریم بین زن و مرد، همراه با حفظ معنویات یکی از مهم ترین عوامل مصونیت از انحرافات جنسی است^{۸۹}

کنترل محرک های بویایی

حيوانات نقش اساسی دارد. حيوان ماده با حس بویایی یکی از حواسی است که در جذب جنسی ترشح بوهای خاص موجب جذب حيوان نر می گردد. در انسان نیز حس بویایی در تحریکات جنس مؤثر است؛ هر چند تأثیر آن به حد سایر موجودات نمی رسد.

ویژگی های خاص زنان موجب می گردد تا استفاده از بوهای خوش در آن ها دارای خصوصیتی ویژه گشته و بر جذابیت آنان بیفزاید، لذا استفاده از عطرها و بوهای خوش در زنان احکام متفاوتی می یابد.

⁸⁷ همان، حدیث ۲۵۴۱۸

⁸⁸ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۶۵

⁸⁹ /http://hadana.ir/

زینت و خودآرایی زنان و استفاده از بوی خوش برای همسران در اسلام توصیه شده و ترک زینت نهی شده،^(۹۰) ولی در مقابل، زینت زن برای نامحرمان منع شده تا آن جا که رفتار زن نباید به گونه ای باشد که زینت های پنهان او فهمیده شود.^(۹۱) از این امر روشن می شود که زنان از هر گونه رفتار محرک در جامعه نهی شده اند؛ که از جمله ی آنها ایجاد تحریک از طریق حس بویایی است.

چه بسا زنی که خود را خوش بو ساخته است، در مردی ایجاد تحریک جنسی نموده و او را دچار هیجانات روحی کرده است. ایجاد تحریک از این طریق چنانچه با قصد نامشروع صورت پذیرفته باشد حکم زنا دارد؛ هم چنان که هر عضوی بهره ای از زنا دارد.^(۹۲) حضرت مسیح علیه السلام فرموده است:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ وَ خَرَجَتْ لِيُوجِدَ رِيحُهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ وَ كُلُّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ؛

زنی که عطر زده، از خانه خارج شود تا بوی او استشمام شود، این زن شبیه زناکاران خواهد بود و^(۹۳) هر چشم که او را بنگرد نیز زناکار است

استعمال عطریات برای زنان به صورت معمولی چنانچه ایجاد تحریک نکند، اشکالی ندارد،^(۹۴) ولی در این باره دقت نظر زنان، به خصوص هنگام برخورد با جوانان قابل تأمل است. بیشتر بخوانید: راهکارهای کنترل

کنترل لمس و تماس

^{۹۰} محمد محمدی ری شهری. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۱۷. (باب الزینة)

^{۹۱} نور، آیه ۳۱

^{۹۲} محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۴۱-۲۴۲.

^{۹۳} همان، ص ۲۴۲.

^{۹۴} سید مسعود معصومی، ص ۸۶.

برخوردهای روزمره ناگزیر از تماس بدنی می باشد، لذا برخی تماس ها در اسلام جایز شمرده شده تا افراد به زحمت نیفتند. این تماس ها محدود به افرادی است که با انسان محرم بوده و روابط بیشتری بین آن ها حاکم است، البته این تماس ها به شرطی جایز است که احتمال واقع شدن گناه در آن نباشد و گرنه تماسی که در آن احتمال لغزش باشد، حتی بین محارم در اسلام منع شده است تا آن جا که تماس بدنی مادر و دختر چنانچه همراه با شهوت باشد، نوعی زنا محسوب می گردد. حضرت علی علیه السلام در این رابطه فرموده است: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْتِهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتَّ سِنِينَ شُعْبَةٌ (95)». «مِنْ الزَّوْنِ»

توصیه ی اسلام مبنی بر این که دو مرد یا دو زن در یک بستر قرار نگیرند از همین باب است و هم چنین قرار گرفتن پدری با دخترش یا مادری با پسرش منع شده و در صورت ناچاری به ایجاد حائل توصیه گردیده است. همگی این موارد حکایت از ایجاد تحریک جنسی از طریق لمس و (96) تماس است

برخوردهای بدنی در محارم در صورت تحریک جنسی منع شده است، ولی در افرادی که نسبت محرمیت ندارند، هر گونه تماس بدنی منع شده است و حتی دست دادن که در برخی عرف ها به صورت سنت درآمده است، ممنوع شده و حرام گردیده است. در صورتی که فرد در جامعه ای قرار بگیرد که ناچار به دست دادن با نامحرم باشد، از پشت (97) پوشش و بدون فشار دادن دست مجاز دانسته شده است

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود

لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَافِحَ الْمَرْأَةَ إِلَّا امْرَأَةً يَحْرِمُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا؛ أُخْتُ أَوْ بِنْتُ أَوْ عَمَّةٌ أَوْ خَالَهٌ أَوْ ابْنَةُ أُخْتٍ أَوْ نَحْوَهَا، فَأَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَحِلُّ لَهَا أَنْ يَتَزَوَّجَهَا، فَلَا يُصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبٍ، وَلَا يَغْمِزُ (98) كَفَّهَا

⁹⁵ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۶، حدیث ۵۲.

⁹⁶ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰

⁹⁷ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۷، حدیث ۲۷

⁹⁸ اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲۵.

تماس با نامحرم، زمینه ساز بسیاری از انحرافات جنسی می باشد و خود نیز نوعی انحراف محسوب می شود و چنانچه نسبت به این امر توجه کافی صورت نگیرد، کم کم از حد لمس فراتر رفته و به مرحله نوازش و بالاتر گسترش می یابد؛ چنان که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَظًّا مِنَ الزَّنى فَرَنِ الْعَيْنِ النَّظْرُ، وَزَنِ الْقَمِ الْقُبْلَةُ، وَزَنِ الْيَدَيْنِ (99) اللَّمَسُ صَدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَوْ كَذَبَ؛

هر کسی بهره ای از زنا دارد، زیرا زناى چشم نگاه کردن است و زناى دهان بوسیدن و زناى دو دست لمس کردن می باشد. خواه عورت آن را به مرحله عمل در آورد یا ردّ کند.

برای کنترل این تماس ها، سعی در عدم برخورد با نامحرم از یک طرف و پوشش کافی مرد و زن و به خصوص زنان از طرف دیگر می تواند مؤثر واقع شود. بهترین راه آن اشباع غریزه از طریق ازدواج شرعی و حلال می باشد که تماس با همسر نه تنها مذموم و نکوهیده نیست بلکه دارای اجر و ثواب (100) نیز می باشد. تماس جنسی در برخی آیات قرآن به تماس تعبیر آمده است.

(101) لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ...؛ «

... زنان را مادامی که با آنان نزدیکی نکرده، طلاق گوئید، بر شما گناهی نیست» (102)

⁹⁹ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۱، حدیث ۲۵۳۹۶.

¹⁰⁰ حمد صادقی اردستانی، اسلام و مسائل جنسی و زناشویی، ص ۱۱۳ - ۱۱۵.

¹⁰¹ بقره، آیه ۲۳۶.

¹⁰² <http://hadana.ir>

اهمیت حجاب در آیینه روایات

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: هر که عاشق شد و عفت پیشه کرد و در همین حال از دنیا رفت، اجر شهید را دارد^{۱۰۳}

دعای پیامبر نور و رحمت (ص): پروردگارا، زنانی که خود را پوشیده نگه می‌دارند، مشمول رحمت و غفران خود بگردان^{۱۰۴}

امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: پاداش رزمنده شهید در راه خداوند، بالاتر از پاداش انسان پاک‌دامنی نیست که توان انجام گناه را دارد ولی خود را آلوده نمی‌سازد. انسان پاک‌دامن، نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان الهی گردد^{۱۰۵}

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش، آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان پپوشاند^{۱۰۶}

حضرت محمد (ص) فرموده‌اند: هر خانمی که خود را معطر و خوشبو کند (عطر بزند) و سپس از خانه خارج شود، همواره مورد لعنت خدا و ملائکه فرار خواهد گرفت، تا وقتی که به خانه برگردد، هرچند برگشتنش به خانه طول بکشد^{۱۰۷}

¹⁰³ کنز العمال، ج ۷۰۰۰

¹⁰⁴ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۴

¹⁰⁵ نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴

¹⁰⁶ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵

¹⁰⁷ فروع کافی جلد ۵ صفحه ۱۶۳، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۵۵۹

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: پیوسته امت مسلمان به راه خیر قدم می‌نهند، تا زمانی که از فرهنگ و آداب و رسوم (مانند پوشیدن لباس و غذا خوردن و ...) از کافران تقلید نکنند؛ و اگر در آداب از بیگانگان پیروی کردند، خداوند قادر، آنان را ذلیل می‌گرداند^{۱۰۸}

()

امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مومنان بگو که در لباس، خوراک و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهید که اگر چنین کنید، شما هم مثل آنان، دشمنان خدا محسوب می‌گردید

(بهشت جوانان صفحه ۴۷۷، وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۲۷۹)

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: زن در نزد نامحرمان، باید چهار لباس داشته باشد: ۱- چادر ۲- مقنعه ۳- پیراهن ۴- شلوار

(تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۲۴)

حضرت محمد (ص) فرموده‌اند: کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، در روز قیامت در حالی می‌آید که دست‌هایش به گردنش بسته شده است. آن گاه دستور می‌رسد او را به جهنم ببرید. (در صورتی که توبه نکرده باشد)

(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۶۰۷)

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: من و پیامبر در یک روز ابری و بارانی در بقیع نشسته بودیم - ۳۰- که زنی سوار بر الاغ از آن جا گذشت و دست الاغش در گودالی فرو رفت و زن به زمین افتاد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا، آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر سه بار فرمود: خدایا، زنان شلوار پوش را بیامرزد. ای مردم، شلوار پوشید

که شلوار، پوشاترین جامه‌های شماس‌ت و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند با شلوار حفظ کنید.^{۱۰۹}

دختر ۶ ساله حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) در مجلس یزید، با آستین خود، روی خود را گرفته بود و اشک می‌ریخت. یزید پرسید چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت خود را از تو و حضار مجلس پپوشاند.^{۱۱۰}

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: یکی از گروهی که وارد جهنم می‌شوند، زنان بدحجابی هستند که برای فتنه و فریب مردان، خود را آرایش و زینت می‌کنند.^{۱۱۱}

رسول خدا(ص) از حضرت جبرئیل(ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می‌خندند) زمانی است که زن بی‌حجابی و بدحجابی می‌میرد، و بستگان او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می‌کرد و به گناه می‌انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می‌پوشانند.^{۱۱۲}

از رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) پرسیدند: آیا در تنهایی می‌توانیم کشف عورت کنیم؟ حضرت جواب دادند: خداوند بیش از مردم سزاوار است که از او شرم شود.^{۱۱۳}

^{۱۰۹} تنبیه الخواطر: ۲ / ۷۸، منتخب میزان الحکمه: ۱۳۰

^{۱۱۰} ترجمه نفس المهموم، ص ۲۲۱

^{۱۱۱} کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸۳

^{۱۱۲} <http://hejabeislami.parsiblog.com/Archive>

^{۱۱۳} سنن ابن ماجه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هلاکت زنان امت من در دو چیز است: «طلا و لباس نازک»^{۱۱۴}.

حضرت علی (ع) فرمودند: بر شما باد بر پوشیدن لباس ضخیم؛ چرا که هر کس لباسش نازک باشد، دینش نازک است.

اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه به خانه پیغمبر اکرم (ص) آمد در حالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم (ص) روی خویش را از وی برگرداند و فرمود: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر از مچ دست به پایین و صورتش.^{۱۱۵}

رسول خدا (ص) وضعیت دوران ما را از قبل پیش بینی می‌کنند: در آخر امت من، مرد نماهایی هستند که سوار بر وسایل نقلیه خود، بر در مساجد پیاده می‌شوند. زنان اینان، پوشیده‌هایی برهنه‌اند که موهایشان برآمده است. این‌ها زنان نفرین شده‌اند.^{۱۱۶}

رسول خدا (ص) می‌فرماید: برای زن جایز نیست مچ پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد اول اینکه: خداوند سبحان همیشه او را لعنت می‌کند. دوم اینکه: دچار خشم و غضب خداوند بزرگ می‌شود. سوم اینکه: فرشتگان الهی هم او را لعنت می‌کنند. چهارم: عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده شده است. هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی‌کند و همچنین موی سر و مچ پای خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است.^{۱۱۷}

^{۱۱۴} شیخ مفید، امالی

^{۱۱۵} (الدرالمنثور ج ۵)

^{۱۱۶} المحاسن، ج ۱

^{۱۱۷} <http://hejabeislami.parsiblog.com/Archive>

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: 1- زر و زیور خود را در منظر و دیدگاه غیر شوهر مگذار و در غیاب شوهر خود را خوشبو مکن و مچ پا را نشان مده اگر چنین کنید دیتان را تباه و خدا را به خشم آورده اید^{۱۱۸}

پیامبر اکرم (ص) زنان را از پوشیدن لباس های توجه برانگیز بر حذر می داشتند^{۱۱۹}

امام صادق (ع) به یکی از خواهران محمد بن ابی عمیر فرمود: وقتی که به دیدار برادرت رفتی لباسهای رنگارنگ و تحریک آمیز بر تن نکن^{۱۲۰}

رسول حق (ص) به حولا فرمود: روسری خود را که جلب نظر می کند نشان مده اگر چنین کنی دیتان را تباه و خدا را به خشم آورده ای^{۱۲۱}

1. رعایت حجاب در محضر ائمه حتی از سوی زنانی که حجاب بر آنها واجب

نبود

حبابه والیه از زنان دانشمند بود که از زمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام فعالیت علمی داشته است. در زمان امام سجاد علیه السلام در اثر دعایی که ایشان برایش کرد، جوانی اش را بازیافت و طول عمری استثنایی پیدا کرد. او در زمان امام صادق علیه السلام بانوی بسیار مسنی بود. طبق آیه قرآن، رعایت حجاب حداکثری بر زنان مسن واجب نیست اما با این حال، این بانوی بسیار مسن در محضر امام صادق علیه السلام با حجاب کامل حاضر می شد و سؤال هایش را از ایشان می پرسید.

روزی در منزل امام صادق علیه السلام از بیماری خود سخن گفت. امام علیه السلام ابتدا برایش دعا کردند، آنگاه فرمودند: حالا به اتاق زنانه برو تا خانم ها نگاه کنند ببینند بدنت خوب شده یا خیر (فَقَالَ ادْخُلِي دَارَ النِّسَاءِ حَتَّى تَنْظُرِينَ إِلَى جَسَدِكَ)، حبابه به اتاق زنانه رفت و لباسش را کنار زد و

همان 118

همان 119

همان 120

همان 121

2. حریم اتاق زنانه و مردانه در منزل ائمه علیهم السلام

در منزل ائمه یک اتاق به دارالرجال معروف بود که ملاقات‌های ائمه با مردان یا اسکان مهمانانشان در آن اتاق انجام می‌شد و اتاق (یا اتاق‌های) دیگری وجود داشت که به دارالنساء معروف بود و زنان اهل بیت در آن جا بودند. گاه پیش می‌آمد که در دارالرجال مثلاً مجلسی مانند مجلس مرثیه‌خوانی منعقد و لازم می‌شد که زنان اهل بیت نیز در آن مجلس شرکت کنند. در چنین موقعیتی، پرده‌ای وجود داشت که زنان اهل بیت علیهم السلام در ورای آن پرده مستقر می‌شدند و مرثیه‌خوانی را می‌شنیدند .

سفیان عبدی شاعر اهل بیت علیهم السلام به منزل امام صادق علیه السلام آمده بود و مرثیه می‌خواند. وقتی مرثیه او به جاهای حساس و جان‌گداز رسید، حضرت فرمودند دخترم را صدا بزنید تا بیاید و بشنود که بر سر اجدادش چه مصیبت‌هایی آمده است! دختر امام علیه السلام آمد و پشت پرده نشست (فَجَاءَتْ فَقَعَدَتْ خَلْفَ السُّتْرِ) و مرثیه را که شنید صیحه زد و...¹²³

چنین گزارش‌هایی از مجالس مرثیه‌خوانی در منزل امام صادق علیه السلام کم نیست؛ عبدالله بن غالب نیز روایت کرده است که وقتی مرثیه‌اش به بیت‌های حساس رسیده بود، صدای گریه زنان از پشت پرده به گوش رسیده است.¹²⁴

چنین تصویری از خانه امام صادق علیه السلام در منابع دیگر هم گزارش شده است. ابوهارون مکفوف نیز وقتی ماجرای معروف مرثیه‌خوانی خودش را نقل می‌کند، تصریح می‌کند که همسران و دختران امام صادق علیه السلام در پشت پرده‌ای نشسته بودند که صدای گریه‌شان برخاست

¹²² بحار الانوار؛ ج 47 ص 121

¹²³ الکافی، ج 15، ص: 496

¹²⁴ کامل الزیارات ص 105

(فَصَاحَتْ بِأَكْبَهُ مِنْ وَرَاءِ السُّتْرِ وَابْتَأَتْ).^{۱۲۵}

مردی از سرزمین فارس که در سامرا به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسید و از حضرت اجازه گرفت که ملازم ایشان شود، گزارش کرده است که وقتی برای خرید مایحتاج منزل امام علیه السلام از بیت خارج می شدم و دوباره به بیت برمی گشتم، هرگاه امام علیه السلام در اتاق مردانه (دارالرجال) بودند، بدون نیاز به اذن به خدمتشان شرفیاب می شدم^{۱۲۶}.

3. فرهنگ پرده نشینی و پوشیدگی در بین یاران اهل بیت علیهم

السلاملیهم السلام

برخی واقعه ها اهمیت حقوقی دارند و لازم است که شاهدانی آن واقعه ها را مشاهده کنند (تحمل شهادت) و بعداً در محکمه شهادت بدهند که آن واقعه را مشاهده کرده اند (ادای شهادت). یکی از این واقعه ها، اقرار است که گاه لازم می شود کسانی اقرار کردن شخص اقرار کننده را مشاهده کنند و برای شهادت دادن آمادگی داشته باشند. حال اگر اقرار کننده زن باشد و مردی بخواهد اقرار کردن او را مشاهده کند، این مشکل به وجود می آید که آیا شاهدان مرد برای شناسایی زن اقرار کننده می توانند به چهره او نگاه کنند؟

محمد بن حسن صفار که بزرگ دانشمندان و حدیث شناسان قمی بود، خود با این مشکل مواجه شده بود. به امام عسکری علیه السلام نوشت که: مردی می خواهد اقرار زنی را که به او محرم نیست بشنود (تحمل شهادت) تا بعداً در هنگام لزوم، شهادت بدهد که این اقرار را شنیده است. حال اگر زن در ورای پرده و صورتش هم پوشیده باشد ولی صدایش قابل شنیدن باشد و 2 شاهد عادل هم شهادت بدهند که این زن فلان کس است که اقرار می کند، آیا شنیدن اقرارش و شهادت دادن در آینده جایز است یا آن که جایز نیست و حتماً باید صورت خود را بگشاید تا شنونده با چشم او را

¹²⁵ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 105 و 106

¹²⁶ کافی ج 1 ص 514

شناسائی کند؟ امام علیه السلام در جواب نوشتند «نقابى بیا فکند و با نقاب نزد شهود حاضر شود»

۱۲۷.

این فرهنگ خود به خود به وجود نیامده بود بلکه بر اثر توصیه‌ها و رفتارهای اهل بیت علیهم السلام به وجود آمده بود. یکی از جلوه‌های رفتاری آموزنده اهل بیت علیهم السلام در روایت عبدالرحمان بن حجاج بازتاب یافته است. عبدالرحمان در میانه پرسش و پاسخ مفصلی که با امام صادق علیه السلام داشت، درباره مسائل نوزادی که به ناچار باید در موسم حج به همراهشان می‌بردند، سؤال کرد. حضرت علیه السلام فرمودند: «به مادرش بگویید با حمیده (همسر امام صادق علیه السلام) دیداری داشته باشد و از او پرسد که با آن نوزاد چه بکنند؟» عبدالرحمان در ادامه روایت، گزارش کاملی از ملاقات آن مادر با جناب حمیده نقل کرده و سوال‌های او و پاسخ‌های حمیده را گزارش کرده است^{۱۲۸}.

4. پوشاندن مو حتی از خواجگان

برادر دعبل خزاعی از امام رضا علیه السلام و ایشان از جدشان امام حسین علیه السلام روایت کرده‌اند که روزی غلام خواجه‌ای به خانه‌مان وارد شد. خواهرم سکینه (دختر امام علی علیه السلام) با دیدن او موهای خود را پوشاند. شخصی به ایشان گفت: نیازی به حجاب نیست چون او خواجه است. حضرت سکینه گفت: باشد به هر حال مرد است... (فَقَالَتْ: هُوَ رَجُلٌ مُنْعَ مِنْ شَهْوَتِهِ!)^{۱۲۹}

5. خشم و غضب امیرالمؤمنین علیه السلام از اختلاط زنان و مردان در بازار و

معابر کوفه

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدند که زنان کوفه در معابر شهری به مردان برخورد می‌کنند، این

¹²⁷ من لایحضر ج 3 ص 67

¹²⁸ کافی ج 4 ص 301

¹²⁹ وسائل الشیعه، ج 20، ص: 227

وضعیت را برناتفتند و غیرتمندانه بر مردان شهر اعتراض کردند و فرمودند: «شنیده‌ام زنانان در معابر به مردان برمی‌خورند! خجالت نمی‌کشید؟!» (یا أهل العراق، نبئت أن نساء کم یدافعن الرجال فی الطريق، أما تستحون؟) در نقل دیگری نیز آمده است که فرمودند: خجالت نمی‌کشید و غیرت نمی‌ورزید از این که زنانان به بازارها می‌روند و مردان کافری به آنان تنه می‌زنند؟! (أ مَا تَسْتَحِيُونَ وَلَا تَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ) ^{۱۳۰}

6. ممنوعیت نگاه به سر و بدن زن در انگاره ذهنی اصحاب ائمه علیهم السلام

نگاه به مو و بدن زن در فرهنگ پیروان ائمه علیهم السلام امر ممنوعی قلمداد می‌شد. در قرآن کریم یکی از زنانی که ازدواج با آنها حرام معرفی شده، دختری است که مادرش بیوه بوده و به عقد مردی درآمده است و حالا این دختر فرزندخوانده (ربیه) این مرد شده است. ازدواج این مرد با ربیه خودش به شرطی حرام است که این مرد با مادر این ربیه علاوه بر عقد نکاح، آمیزش نیز کرده باشد؛ این ممنوعیت یک حکم واضح قرآنی بوده که مسلمانان با آن آشنا بودند .

نکته‌ای که این حکم شرعی را به مسأله این یادداشت مرتبط می‌کند، آن است که برخی شاگردان ائمه می‌خواستند بدانند اگر مردی با مادر ربیه نکاح کرده ولی فقط به موها یا بدن او نگاه کرده باشد، باز هم ازدواج با چنین ربیه‌ای حرام می‌شود؟! (برای مثال ن ک: النوادر، أشعری، ص: 100).

وقوع چنین پرسش‌هایی نشانه آن است که در فرهنگ شاگردان ائمه علیهم السلام نگاه کردن به موی زنان نامحرم نه تنها امر شایع و فراگیری نبوده بلکه امری در وزن و وزان آمیزش جنسی بوده است. در فرهنگ شاگردان ائمه و روات بزرگوار شیعه (نه عوام کوچک و بازار) «نگاه به موی زن»

آن قدر با «جماع» هم وزن بود که گمان کرده بودند در برخی احکام (مانند حرام شدن ربیبه)، نگاه به موی زن ممکن است مانند جماع با او باشد.^{۱۳۱}

بخش چهارم: دوری از مجالس گناه:

یکی از علل و عوامل انحرافات جنسی و به طور کل انحرافات اخلاقی، محیط آلوده و محرک های شهوانی است. محیط از طریق وارد نمودن عناصر محرک در گرایش های انحرافی، منجر به طغیان غریزه جنسی در جوان می شود. مسایلی از قبیل بدحجابی، روابط ناسالم و آزاد دختر و پسر، برخی از سریال های تلویزیونی و فیلم های خارجی و هم چنین استفاده نادرست از اینترنت در تحریک شهوت و غریزه جنسی جوان مؤثر است شاید برای برخی از نوجوانان یادآوری و تذکر مسایل دینی و اخلاقی چیزی بیهوده و غیر ضروری تلقی شود، زیرا آن ها نه در فکر سلامت خویش هستند و نه مسایل اخلاقی و دینی را می پذیرند، اما برای شما که روحیه مذهبی قوی دارید و همین مسأله باعث شد تا نگران آینده تان باشید، گفتن این مسایل مهم و ضروری است. اگر واقعاً می خواهید از جوانی تان به خوبی استفاده کنید و در راه درست و سالم گام بردارید، سعی کنید از محیط های آلوده و دیدن عوامل تحریک کننده، جداً پرهیز نمایید.

ششم: روزه گرفتن. همیشه با وضو بودن. به شکم نخوابیدن. شب غذاهای تحریک کننده نخوردن و...

با سلام و احترام

بخونید شاید تاثیری مثبت برای شما داشته باشد. البته امیدوارم آزرده خاطر هم نشید.

من ۲۶ سال سن دارم و پسری مجردم. راستش باورتون بشه یا نشه، بیشتر از ۲۰ ساله که شدیداً میل جنسی بالا دارم؛ از زمانی که حافظم یاری می کنه این میل در من قلیان میکرد. سالهای سال هست که عاقل شدم و عمل زشت خودارضایی رو کنار گذاشتم؛

راستش ورزش رزمی کار میکنم؛ ساز تار و سه تار به دست میگیرم به صورت حرفه ای؛ در آستانه ی تحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه ملی هم هستم؛ اما متأسفانه گاهی از شدت شهوت و فشار

خیلی زجر میکشم و گاهی تنها در اتاق از روی فشار روی زمین می افتم (واقعا می افتم). در تمام عمرم با دختر نبودم؛ نه گشت و گزار و نه تلفن چه رسد به رابطه جنسی. چند بار پیشنهاد دوستی بهم دادن اما نپذیرفتم. با وجود اینکه خیلی از خویشاوندان و همسایه ها تجربه های دوستی و عملی شون رو به عنوان افتخاراتشون! تعریف میکنند برام، اما در چنین محیطی سعی کردم بر خلاف جهت همه شنا کنم و تاثیر منفی دیگران رو نپذیرم. خیلی برام سخت هست؛ خیلی فشار روم هست اما متأسفانه توان مالی ازدواج ندارم چون شغل ثابت ندارم.

گاهی فشار درد و خفقان رو غروب ها روی سینم احساس میکنم. گاهی به ناچار با پخش موسیقی سنتی نمازم رو میخونم تا حواسم سراغ شهوت نره. باورتون میشه؟ سرنماز! اما خودمو نمیبازم. بهم میگن دوست دختر داشته باش میگم من دختری رو که حاضر به دوستی با من باشه نمیخواهم! ضمن اینکه از نظر قرآن شریف، این کار مردود هست. میگن صیغه کن؛ میگم توی قرآن شریف همچین چیزی ندیدم جز اینکه: *آنانکه توان ازدواج ندارند با تاکید عفت پیشه کنند تا حضرت پروردگار آنان را غنی سازند.* به هر حال انسان در زندگی آزمایش میشه. نباید انتظار داشته باشیم همیشه همه چیز وفق مراد باشه. شما آقا یا خانم گرامی اگر سختی من رو دارین بدونین که تنها نیستید و بدونید که اینطور هم میشه زندگی شرافتمندانه کرد.

در پناه حضرت عزیز حق^{۱۳۲}

ابو بصیر اسدی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: روز قیامت خداوند با سه کس سخن نمی گوید و به آنان نگاه نمی کند [۲] و آنان را پاک نمی گرداند و عذاب دردناکی خواهد داشت: کسی که موی سفید خود را بکند، و کسی که با خود نکاح کند (استمنا)، و مردی که خود را در اختیار همجنس گرایان قرار دهد.

در ۱۳۹۵/۳/۱۷ - ISA ۳:۱۴ ارسال شده توسط پیوند ثابت

عزیزم تصاویر نامناسب رو شما نمیاری شما تنها یادت می افته و بعدش بهت القا می کنن
این کاری که شما در مقابل این وسوسه می کنید بر می گرده به عمل خودتان

کنترل شهوت سخت هست ولی کنترل ذهن به مراتب بسیار سختتر

در واقع اول کنترل شهوت و بعد اگر تلاش کنید خداوند کنترل ذهن را هم می دهد

من خودم شهوتم رو کنترل می کردم ولی ذهنم رو هر کاری می کردم نمی شد که نمی شد

نمی دونم یه بار ناراحت بودم که چیکار کنم چون وقتی تصویر نامناسب به ذهنت بیاد و نتونی
جلوش رو بگیری این باعث میشه که هم احتلام شبانت زیاد بشه و هم دفعات بیشتری تحریک و
اذیت بشی شاید می شد من سه روز پشت سر هم تو خواب محتلم میشدم و این برای جوانانی که
کم رو هم هستند سخت هست

یه چند سال قبل همینطور که نشسته بودم و همینطور نمی تونستم افکارم رو کنترل کنم یهو یادم
افتاد که روزه کشنده شهوت هست طبق روایات

درست پنجم ماه رجب بود عهد کردم که برای کاهش شهوت ۴۰ روز روزه بگیرم و ثوابشو به
امام زمان (عج) هدیه بدم البته تو این بین تولد هر امامی هم بود اون روز ثوابش می رفت به همان
امای که تولدشه و ما بقی رو اینطور عهد کرده بودم که برا امام دوازدهم باشه
باور کنید پنج روز از روزه گرفتم گذشته بود انگار یه چیزیم شده بود که باعث میشد که من نمی
تونستم تصاویر نامناسب رو بیارم تو ذهنم در صورتی که هدف من هم کنترل ذهن نبود بلکه کم
شدن شهوتم بود

همونطور که این دوستان گفتند عوض تصاویر نامناسب نا خداگاه سر از طبیعتی زیبا با اب زلال
که جاری هست در می آوردی نمی دونم چقد به خاطر این اشک ریختم چون اصلا ادم متحول
میشه و به راحتی یه چیزایی رو درک می کنه

اصلا از پنجم به بعد چقدر من راحت شدم ۴۰ روز روزه گرفته بودم که تو این ۴۰ روز یکم از شهوتم کم بشه که ابزار کنترل شهوت رو بدست اوردم و خیلی چیزای دیگه

یادمه چهلم که شد درست نیمه شعبان بود روز تولد امام مهدی (عج) چهلم خیلی گریه کردم و شکر کردم و اینکه از اول من امام زمانی نبودم
روزه گرفتن سخته مخصوصا اگر بتونی به عهدی که بستی پایبند بمونی چون اگر بشکنی باید کفاره هم بدی

یادمه چقد وسوسه می شدم که ولش کن ولی چون دیدم که شکستش گناهه و کفاره هم داره موهام سیخ سیخ شدند و اراده لازم رو بدست اوردم

ذکر لا حول و لا قوه الا بالله علی العظیم

این دوستمون گفت که همیشه تصویر نامناسب بیارم منم یاد همون روزای خودم افتادم روزایی که واقعا جنگیدم به مراتب خودم دیدم و فهمیدم که چرا مقابله با نفس حکم جهاد اکبر رو دارد

بعد از این دیگه احتلام شبانه تو یک ماه به یه بار کاهش یافت اصلا بعضی چیزا رو همیشه گفت یعنی تفاوتهای قبل کنترل ذهن و بعدش رو

همیشه به خاطر این موضوع شاگردم چون دیگه تصاویر نامناسب حتی تو خواب هم نمی بیند

من خیلی دوست داشتم که به دوستانم کمک کنم این تجربه من هست

توسل به اهل بیت (ع) چه ها که با ادم نمیده یعنی یه تعداد معینی روزه یا نماز بخونی و تقدیم کنی به ساحت مقدس امام زمان و ازش حاجت بخوای هر چند هیچ امیدی هم نداشته باشی

تو این چند سال من چه ادم عوضی بودم ولی توبه از ته دل با ادم چه می کنه و بعد از این هم از خدا خودش و پیامبر و اهل بیتش رو می خوام و همینطور که همیشه ما رو تو راهی که خودش می پسندد ثابت قدم نگه داره چرا که مقابله با شبهه هایی که دشمنان ایجاد می کنند اگر به دنبال جواب شبهه نری تو رو از مسیر منحرف خواهند کرد و بعدش پشیمانی به دنبال خواهد داشت
راه رفتن و صحبت کردن و نگاهاتون امام زمانی میشه همیشه خدا رو به یاد دارید
حتی خوابای خوبی هم می بینید

منم مثل شما مجردم و الانم شرایط ازدواج رو ندارم ولی به لطف خدا و پیامبر و اهل بیتش توانستم نفسم رو مهار کنم و خدا رو بیش از پیش شاكرم

تلگرام و وایبر و واتس اپ و ... همگی کار رو برای شما سخت خواهند کرد
نماز اول وقت باشد و بدانید در نماز چی می گین تاثیرش رو خواهید دید
و نهج البلاغه رو خیلی دوست دارم
نمی دانم بالاخره امام خواهیم دید یا نه
اللهم عجل لولیک الفرج

به امید وضعی بهتر برای مردمان و جوانان ایران زمین

زیبایی های قدرت خداوند متعال رو با سرکوب نفس مشاهده می کنید اگر صبر کنید
قرآن خواندن هم یادتان نرود خواندن معانی قرآن و تفکر در آیات قرآن چراغ هدایت روشنی
هست برای همه انسانها

دوست دارم جوانان ایران زمین همه باهم در مقابل نفس بایستیم مطمئناً مدتی سرکوب می کنیم و
بعدش دست ما از اینجا کوتاه می شود و همه سختی ها تمام می شود و آنچه که خواهد ماند همین
: مخالفت ها در برابر نفس خواهد ماند چرا که

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

که به یقین رستگار شد کسی که نفس را (در کمالات اعتقادی و اخلاقی) رشد داد
و (از پلیدی های فکری و نفسانی) پاکیزه داشت. (شمس ۹ و ۱۰ و ۱۳۳)

توسط زینب سادات در ۶/۶/۱۳۹۵ - ۴۹:۱۵

سلام

من یه دختر ۲۳ ساله از یک خانواده کاملاً مذهبی هستم. خیلی سال پیش متأسفانه بدلیل فشار زیاد
و نیاز جنسی این گناه رو انجام دادم اما بعدش انقدر پشیمون شدم که تا چند روز کارم گریه و

خودخوری بود تا اینکه دوباره این احساس نیاز برگشت و من فهمیدم اگر ادامه بدم درگیر دامی میشم که ازش نمیشه بیرون اومد. من فرزند شهیدم و یکی از دوستای خوبم که اونم همین مشکلو داشت بهم گفت توبه کن و گرنه هر دفعه قباحه این گناه واست کمتر میشه. و به روح پدرت قسم بخور که نتونی بشکنی. و واقعا اینکارو کردم و با اینکه مجردم و ۸ سال از اون موضوع گذشته حتی یک بارم این گناهو نکردم و هر بار وسوسه میشم احساس میکنم روح پدرم شاهد منه و خجالت میکشم. این یک روش خوبیه و حتی کسایکه درگیر این مساله هستن میتونن به ائمه اطهار قول بدن و عهدشونو حفظ کنن. قبول دارم سخته. واقعا هر چی میگذره در صورتیکه این نیاز رفع نشه فشار بیشتری به انسان میاره. ولی لذت گناه نکردن واقعا خیلی زیاده. از نظر من بیشتر از گناه کردن لذت داره. ضمنا یک راه خوب که کمک کننده س. دوش آب سرد و وضو و دو رکعت نمازه که خیلی در این مواقع کمک میکنه. امیدوارم عزیزان همه در راه شکست شیطان (:) موفق باشن. سخته. ولی میشه

بخش پنجم: عدم اختلاط در مهمانی ها:

یکی از مهم ترین عوامل ارتباط نامشروع مخصوصا بین فامیل و دوستان، مهمانی های مختلط است.

اینکه مرد متوجه می شود زنش با فلان فامیل شوهر ارتباط پیامکی و غیره دارد چون مرتب در

مهمانی ها در یکجا باهم بودند و بهم علاقه شیطانی پیدا کرده اند!

خانمی حدود چهل ساله متاهل می گوید مدتی است به فلان مرد از فامیلان علاقه پیدا کرده ام و

این علاقه طوری است که شبانه روز به فکر او هستم و او از علاقه من خبر ندارد و این علاقه باعث

شده دیگر توجهی به شوهر و فرزندان و زندگیم ندارم!

یا زن می گوید مدتی است با برادر شوهرم ارتباط پیامکی و عاشقانه دارم! حالا شوهرم فهمیده و

داره زندگیم از هم می پاشد!

آری اگر در مهمانی ها اطاق خانم ها رو جدا از آقایان می کردند این ارتباطات پیش می

آمد! مخصوصا در عروسی ها! که دیگر همه مرزهای حرام را بهم می ریزند و انتظار هم دارند

مشکلی پیش نیاید.

روش حضرت امام (رض) در مورد مهمانی ها و حدود ارتباط با نامحرم

«از مسائلی که حضرت امام بیشتر به آن توجه داشتند، محدود بودن ارتباط بین زن و مرد بود. یادم هست ده سال

بیشتر نداشتم و با برادرها و پسرخاله ام قایم باشک بازی می کردیم. حجاب هم داشتیم؛ اما یک روز امام مرا

صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید؛ مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها بازی

می کنید؟» (عاطفه اشراقی، نوه امام)^(۱۳۴)

«امام در ارتباط با نامحرم خیلی سخت گیرند. الآن پسرهای من و حاج احمد آقا 15، 16 ساله اند و اگر یک

روز ما برای ناهار به منزل آقا دعوت شویم، پسرها حق آمدن ندارند و یا اگر هم بیایند، مثلا ما خانه خانم می

نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا؛ آن هم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند. نه فقط سر سفره، بلکه حتی به همدیگر سلام هم نکنند؛ چون واجب نیست، به هر حال آقا این نوع مهمانی رفتن خانمها و آقایان نامحرم و با هم دور سفره نشستن را حرام می دانند» (زهره مصطفوی)^{۱۳۵}

«من 15 ساله بودم که مرحوم آقای اشراقی داماد ما شده بودند. یک روز ما منزل ایشان دعوت داشتیم. همین جور که من و امام با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقبال می آیند؛ ما در یک باغچه ای داشتیم حرکت می کردیم. من به امام گفتم: سلام بکنم آقا؟ گفتند: واجب نیست. من هم رویم نشد که سلام نکنم و از داخل باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبه رو نشوم!» (زهره مصطفوی)^(۱۳۶)

«امام مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم. در منزل، حق انجام هیچ گونه معاصی، از جمله غیبت، دروغ، بی احترامی به بزرگتر، و توهین به مسلمانان را نداشتیم. خصوصاً روی معصیت توهین به مسلمان، حساسیت زیادی داشتند.» (فریده مصطفوی)^(۱۳۷)

همان 135

همان 136

همان 137

بخش ششم: یاد مرگ

عامل دیگری که در غلبه بر شهوت و کنترل و تعدیل غریزه جنسی نقش مهمی دارد، یاد مرگ و قیامت است. امام علی (ع) می فرماید: «ای بندگان خدا! بر حذر باشید از مرگ و از سختی های آن. وقتی نفستان خواست شما را درباره شهوات به تباهی بکشاند زیاد به یاد مرگ باشید، زیرا برای موعظه، یاد مرگ کافی است.»

رسول خدا (ص) اصحاب خود را درباره مرگ بسیار سفارش می کرد و می فرمود: «زیاد مرگ را یاد کنید، زیرا یاد مرگ، شکننده لذات نفسانی و حایل میان تو و شهوات است.»^{۱۳۸}

توسط یوسف ۱۷ در ۲۲/۶/۱۳۹۵ - ۴۳:۲

سلام..من ۱۷ سالمه و حدود ۵ ساله این گناهو ب مقدار زیاد انجام دادم و هر راهی ک میگین رو رفتم ولی تو همشون بعد ی مدت بر میگشتم ب طوری ک بیشترین مدت ترکم ۱۴ روزم نشد...ولی از وقتی در باب قیامت و شب اول قبر و جهنم و همچنین امام زمان تحقیق کردم دیگه اصلا نمیتونم برم سراغش انگاری چیز تو وجودم میگه اتش جهنم داغ تره

بخش هفتم: بیاد شهدا بیافتیم

یاد شهدای عزیزمان می تواند انسان را از گناهان دور نماید. اینکه انانان همه لذتها را کنار گذاشتند و جان خود را فدای دین و کشور کردند باعث می شود که به پستی و پوچی لذتهای شهوانی شیطانی متوجه و متذکر بشویم.

...آی شهدا دلای ما تنگه براتون

یکی از راویان دفاع مقدس می گفت هر کی می خواد شهید شه بره گناه کنه... ما تعجب کردیم... اما بعدش گفت نه مثل آدمای عادی بلکه مثل شهدا گناه کنید

این روایتو آوردم تا بدونیم شهدا چه جوری گناه می کردن تا ما هم مثل اونا گناه کنیم تا شاید... شهید شیم

خواندن بخشی از یادداشت های یک شهید شانزده ساله به نقل از وبلاگ یاد لاله ها شاید برای لحظاتی ما را به فکر فرو برد که کجاییم و چه می کنیم: راوی که یکی از بچه های تفحص شهدا بوده، می نویسد: در تفحص شهدا، دفترچه یادداشت یک شهید شانزده ساله پیدا شد که گناهان هر روزش را در آن یادداشت کرده بود.

گناهان یک روز او عبارت بودند از:

اول: سجده نماز ظهر طولانی نبود.

دوم: زیاد خندیدم.

سوم: هنگام فوتبال شوت خوبی زدم که از خودم خوشم آمد.

راوی در سطر آخر افزوده بود که: دارم فکر می کنم چقدر از یک پسر شانزده
ساله کوچکترم...!